



مرکز نوآوری های آموزشی مرآت

سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵

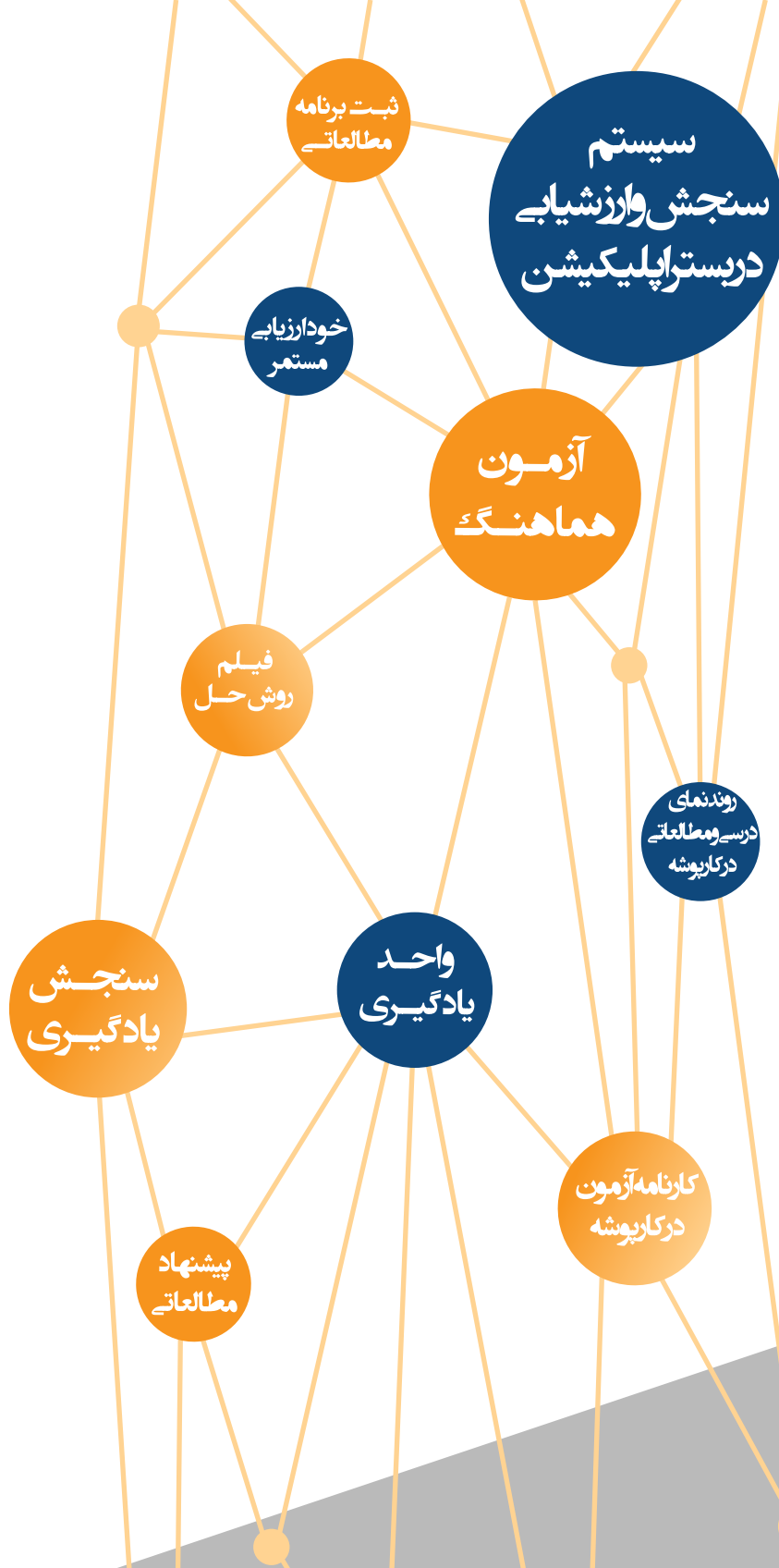
# آزمون

## هماهنگ

دفترچه سوال و پاسخ  
پازدهم انسانی

شماره

۵



| ردیف | مواد آزمون       | تعداد سوال | محتوای آزمون                  |
|------|------------------|------------|-------------------------------|
| ۱    | ریاضی و آمار     | ۱۵         | فصل ۲ (درس ۳) و فصل ۳ (درس ۱) |
| ۲    | علوم و فنون ادبی | ۲۰         | درس های ۷ تا ۱۰               |
| ۳    | عربی             | ۱۵         | درس های ۴ تا ۶                |
| ۴    | تاریخ            | ۱۰         | درس های ۹ تا ۱۳               |
| ۵    | جغرافیا          | ۱۰         | درس های ۷ تا ۹                |
| ۶    | جامعه شناسی      | ۱۰         | درس های ۹ تا ۱۳               |
| ۷    | فلسفه            | ۱۵         | درس های ۷ تا ۹                |
| ۸    | روان شناسی       | ۱۵         | درس های ۵ و ۶                 |

درس خواندن هدمند



با اپلیکیشن مرآت  
meraati.ir



کیفیت بخشی آموزش مدرسه

۱. اگر  $f(x) = |x^2 - 1|$  و  $g(x) = \text{sign}(x)$  باشد، حاصل

$$(f + g)(-2) - \left(\frac{f}{g}\right)(-3)$$

۱) -۴

۲) ۱۰

۳) ۶

۴) ۸

۲

$$\begin{cases} f(-2) = |(-2)^2 - 1| = 3 \\ g(-2) = \text{sign}(-2) = -1 \end{cases} \Rightarrow (f + g)(-2) = 2$$

$$\begin{cases} f(-3) = |(-3)^2 - 1| = 8 \\ g(-3) = \text{sign}(-3) = -1 \end{cases} \Rightarrow \left(\frac{f}{g}\right)(-3) = -8$$

$$\Rightarrow (f + g)(-2) - \left(\frac{f}{g}\right)(-3) = 2 - (-8) = 10$$

پاسخ

فیلم پاسخ



۲. اگر  $f(x) = -2|x^3 - 1|$  و  $g(x) = x^2 - x - 2$  باشد، دامنه تابع  $(\frac{g}{f})(x)$  کدام است؟

۱  $\mathbb{R} - \{1, 2\}$

۲  $\mathbb{R} - \{1\}$

۳  $\mathbb{R} - \{1, -2\}$

۴  $\mathbb{R} - \{-1, 2\}$

۲ دقت کنید که ریشه‌های مخرج در دامنه تابع نیستند.

$$D_g = D_f = \mathbb{R}$$

$$D_{\frac{g}{f}} = \{x \in D_g \cap D_f \mid f(x) \neq 0\}$$

$$f(x) \neq 0 \Rightarrow -2|x^3 - 1| \neq 0 \Rightarrow x \neq 1$$

$$\Rightarrow D_{\frac{g}{f}} = \mathbb{R} - \{1\}$$

فیلم پاسخ



۳ اگر توابع  $f = \{(-1, 2), (9, 1), (2, 3), (3, 1)\}$  و

$g = \{(1, 2), (2, 1)\}$  باشند، برد تابع  $2f + 3g$  کدام است؟

۱  $\{1, 7\}$

۲  $\{5, 7\}$

۳  $\{9\}$

۴  $\{5, 9\}$

۳

$$D_f = \{-1, 9, 2, 3\}, D_g = \{1, 2\}$$

$$D_{2f+3g} = D_{f+g} = D_f \cap D_g = \{2\}$$

$$\Rightarrow 2f + 3g = \{(2, 2(3) + 3(1))\} = \{(2, 9)\}$$

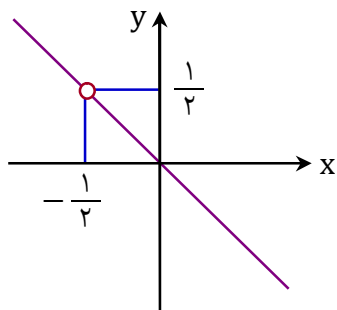
$$\Rightarrow \text{برد} = \{9\}$$

پاسخ

فیلم پاسخ



۴. اگر  $f(x) = 2x + 1$  و نمودار تابع  $h(x) = \frac{g(x)}{f(x)}$  به صورت زیر باشد، مقدار  $g(9)$  کدام است؟



۱ ①

۵۳ ②

-۱۷۱ ③

-۲۵۳ ④

پاسخ

۳. بدون در نظر گرفتن نقطه‌ای که تابع  $h(x)$  در آن تعریف نشده است، ضابطه تابع به صورت  $h(x) = -x$  می‌باشد، بنابراین داریم:

$$\begin{cases} h(x) = -x \\ f(x) = 2x + 1 \end{cases}$$

$$h(x) = \frac{g(x)}{f(x)} \Rightarrow g(x) = h(x)f(x) = -x(2x + 1)$$

$$\Rightarrow g(9) = h(9) \times f(9) = -9 \times (2(9) + 1) = -171$$

فصل ۲: تابع

واحد یادگیری

درس ۳: اعمال بر روی توابع

زیرواحد یادگیری

عملیات توابع از روی نمودار مختصات دکارتی

حیطه شناختی

پیشرفته

فیلم پاسخ



## آزمون هماهنگ ۵ پایه یازدهم انسانی

۵ اگر  $x$  تعداد کالاهای تولید شده و  $f(x) = 289x - 9x^2$  تابع درآمد و  $g(x) = x - 5$  تابع هزینه شرکت باشند، چه تعداد کالا باید تولید شود تا سود شرکت ماکزیمم شود؟

۱ ۱۴

۲ ۱۶

۳ ۱۸

۴ ۲۰

پاسخ

۲

$$h(x) = (289x - 9x^2) - (x - 5) \Rightarrow \text{هزینه} - \text{درآمد} = \text{سود}$$

$$= -9x^2 + 288x + 5 \Rightarrow x_S = -\frac{b}{2a} = -\frac{288}{2(-9)} = 16$$
 پس شرکت باید ۱۶ کالا تولید کند، تا سود شرکت ماکزیمم شود.

فیلم پاسخ



۶ اگر تابع  $f(x) = a\sqrt{x} + b$  ( $x > 0$ ) تابع ثابت

و  $g(x) = (a - b)x + 3b + c$  تابع همانی باشند، مقدار

$(\frac{f}{g})(a + b + c)$  کدام است؟

۱  $-\frac{1}{3}$

۲  $-\frac{1}{2}$

۳  $-\frac{1}{2}$

۴  $-\frac{1}{3}$

پاسخ

۳

$f(x)$  تابع ثابت است، پس در ضابطه آن  $x$  وجود ندارد، یعنی

ضریب  $\sqrt{x}$  صفر است:

$$a = 0 \Rightarrow f(x) = b$$

$g(x)$  تابع همانی است، پس ضابطه آن به صورت  $g(x) = x$  است

یعنی  $a - b = 1$  و  $3b + c = 0$  است:

$$\begin{cases} a = 0 \\ a - b = 1 \xrightarrow{a=0} b = -1 \\ 3b + c = 0 \xrightarrow{b=-1} c = 3 \end{cases}$$

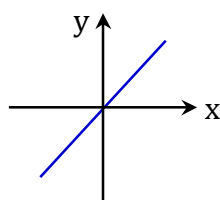
$$\Rightarrow f(x) = -1, g(x) = x$$

$$\Rightarrow (\frac{f}{g})(a + b + c) = (\frac{f}{g})(2) = \frac{f(2)}{g(2)} = \frac{-1}{2}$$

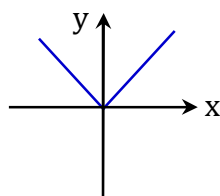
فیلم پاسخ



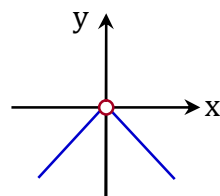
۷. اگر  $f(x) = |x|$  و  $g(x) = \text{sign}(x)$  باشند، نمودار تابع  $(f \times g)(x)$  کدام است؟



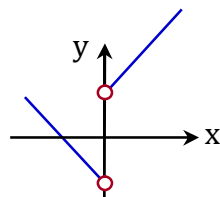
۱



۲



۳



۴

پاسخ

۱ دقت کنید که در  $x = 0$  تابع  $\text{sign}(0) = 0$  و  $f(0) = 0$  است، بنابراین  $(f \times g)(0) = 0$

$$f(x) = \begin{cases} x & x \geq 0 \\ -x & x < 0 \end{cases}$$

$$g(x) = \begin{cases} 1 & x > 0 \\ 0 & x = 0 \\ -1 & x < 0 \end{cases}$$

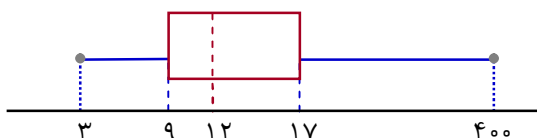
$$\Rightarrow f(x) \times g(x) = \begin{cases} 1 \times x = x & x \geq 0 \\ -1 \times (-x) = x & x < 0 \end{cases}$$

$$\Rightarrow (f \times g)(x) = x$$

فیلم پاسخ



۸. نمودار جعبه‌ای زیر درآمد افراد یک جامعه را نشان می‌دهد. اگر میانگین درآمدها ۳۰ میلیون تومان باشد، خط فقر مناسب برای این جامعه چند میلیون تومان است؟ (درآمدها بر حسب میلیون تومان است).



۱) ۶

۲) ۱۲

۳) ۱۵

۴) ۳۰

پاسخ

۱. چون اختلاف بین کمترین و بیشترین درآمد (۳۰ میلیون تومان و ۴۰۰ میلیون تومان)، بسیار زیاد است، بهتر است به‌جای میانگین از میانه برای محاسبه خط فقر استفاده شود، بنابراین داریم:

$$\text{خط فقر} = \frac{\text{میانه}}{۲} = \frac{۱۲}{۲} = ۶ \text{ (میلیون تومان)}$$

فیلم پاسخ



۹. تورم قیمت گوشت در سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ برابر ۳۳۰ درصد است. اگر سال ۱۳۹۸ را سال پایه فرض کنیم، شاخص بهای گوشت در سال ۱۴۰۴ کدام است؟

۱) ۲۰۰

۲) ۲۳۰

۳) ۳۳۰

۴) ۴۳۰

پاسخ

۴

$$\text{شاخص بها در سال } ۱۳۹۸ - \text{شاخص بها در سال } ۱۴۰۴ = \frac{\text{نرخ تورم}}{\text{شاخص بها در سال } ۱۳۹۸} \times ۱۰۰$$

$$= ۳۳۰$$

$$\Rightarrow \frac{x-100}{100} \times 100 = 330 \Rightarrow x = 430$$

فیلم پاسخ



۱۰. خانواده‌ای در سال ۱۳۹۸ برای خدمات درمانی و اجاره منزل ماهانه به ترتیب ۱ و ۱۰۰ میلیون تومان هزینه کرده است. اگر شاخص بهای این دو خدمات در سال ۱۳۹۸ به ترتیب ۱۰۰ و ۲۵۰ و در سال ۱۴۰۴ به ترتیب ۲۷۰ و ۴۳۰ باشند، برای این خانواده مجموع هزینه‌های خدمات درمانی و اجاره منزل در سال ۱۴۰۴ چند میلیون تومان است؟

۱) ۱۸۱

۲) ۲۰۲

۳) ۲۸۱

۴) ۲۸۲

۲

پاسخ

$$\frac{\text{هزینه سال ۱۴۰۴}}{\text{شاخص بهای سال ۱۴۰۴}} = \frac{\text{هزینه سال ۱۳۹۸}}{\text{شاخص بهای سال ۱۳۹۸}}$$

$$\Rightarrow \frac{430 + 270}{100 + 250} = \frac{x}{101} \Rightarrow x = 202$$

فیلم پاسخ



۱۱. در فرمول BMI (شاخص توده بدنی) با فرض ثابت بودن قد، اگر شخصی ۱۰ درصد از وزن خود را کاهش دهد، مقدار BMI چقدر تغییر می‌کند؟

- ۱) ۱۰ درصد کم می‌شود.
- ۲) ۱۰ درصد زیاد می‌شود.
- ۳) ۹۰ درصد کم می‌شود.
- ۴) ۸۱ درصد زیاد می‌شود.

۱

$$BMI_1 = \frac{\text{وزن اولیه}}{(\text{قد})^2}$$

$$BMI_2 = \frac{\text{وزن ثانویه}}{(\text{قد})^2} = \frac{(0.9 \times \text{وزن اولیه})}{(\text{قد})^2}$$

$$\Rightarrow \frac{BMI_2}{BMI_1} = 0.9$$

پس BMI پس از کم کردن وزن، ۰/۹ مقدار اول می‌شود، یعنی ۰/۱ یا ده درصد آن کم می‌شود.

پاسخ

فیلم پاسخ



۱۲. فرض کنید شاخص توده بدنی (BMI) یک شخص در نوجوانی ۲۴/۲ بوده است. اگر بر اثر رشد و بدون تغییر وزن، قد این شخص ۱۰ درصد افزایش یابد، شاخص توده بدنی او چقدر خواهد شد؟

۱) ۲۳

۲) ۲۲

۳) ۲۱

۴) ۲۰

۴

$$BMI_1 = 24/2 = \frac{\text{وزن}}{(\text{قد اولیه})^2}$$

$$BMI_2 = \frac{\text{وزن}}{(\text{قد ثانویه})^2} = \frac{\text{وزن}}{(1/1 \times (\text{قد اولیه}))^2} = \frac{\text{وزن}}{1/21 \times (\text{قد اولیه})^2}$$

$$\Rightarrow BMI_2 = \frac{1}{1/21} \times \left( \frac{\text{وزن}}{(\text{قد اولیه})^2} \right) = \frac{1}{1/21} \times 24/2 = 20$$

پاسخ

فیلم پاسخ



۱۳. چندتا از گزاره‌های زیر نادرست هستند؟

الف) شاخص پایه آموزش عددی از ۱ تا ۱۲ است که نشان‌دهنده پایه تحصیلی است.

ب) نرخ بیکاری عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال

پ) خط فقر بین‌المللی برای هر فرد روزانه حدود ۱/۲۵ دلار آمریکا است.

۱ ۱

۲ ۲

۳ ۳

۴ ۴  
صفر

۴

پاسخ

فیلم پاسخ



۱۴. نرخ بیکاری در یک جامعه ۲۰ درصد است. اگر تعداد شاغلین از تعداد بیکاران (جویای کار) ۱۵ میلیون نفر بیشتر باشند، جمعیت فعال جامعه چند میلیون نفر است؟

۱) ۱۵

۲) ۱۷

۳) ۲۰

۴) ۲۵

پاسخ

۴. فرض کنید تعداد بیکاران (جویای کار)  $x$  باشد:

جمعیت شاغل + جمعیت بیکار (جویای کار) = جمعیت فعال

$$= x + 15 + x = 2x + 15$$

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100 \Rightarrow 20 = \frac{x}{2x+15} \times 100$$

$$\Rightarrow 5x = 2x + 15 \Rightarrow x = 5$$

پس تعداد بیکاران (جویای کار) ۵ میلیون نفر و تعداد جمعیت فعال ۲۵ میلیون نفر است.

فیلم پاسخ



۱۵. در یک کتاب به زبان انگلیسی ۹ درصد لغات دشوار هستند و به طور میانگین ۱۶ کلمه در هر جمله وجود دارد. این کتاب برای دانش‌آموز چه پایه‌ای مناسب است؟

$$[ \text{شاخص پایه آموزش} = (\text{درصد کلمات دشوار} + \text{متوسط تعداد کل کلمات در هر جمله}) \times 0/4 ]$$

۱ ۹

۲ ۱۰

۳ ۱۱

۴ ۱۲

۲

$$= 10 = [(9 + 16) \times 0/4] = \text{شاخص پایه آموزش}$$

این کتاب مناسب پایه دهم است.

پاسخ

فیلم پاسخ



۱۶. در کدام گزینه مفهومی معادل و هم‌معنا با واژه «اذفر» آمده است؟

- ۱) مزدگانی بده ای خلوتی نافه‌گشا  
که ز صحرای خُتن آهوی مشکین آمد
- ۲) آب جیحون از نشاط روی دوست  
خنگ ما را تا میان آید همی
- ۳) طالب عشقی دلی چو موم به دست آر  
سنگ سیه صورت نگین نپذیرد
- ۴) گل مژده باز آمدنت در چمن انداخت  
سلطان صبا پُر زر مصریش دهان کرد

پاسخ

۱

میدانید

واژه «اذفر» به معنی «خوشبو» در وصف «مشک» آمده است که در گزینه «۱» این واژه به صورت «نافه‌گشا» و همراه با آهوی مُشکین خُتن به کار رفته است.

۱۷. نوع نگارش و نوع نثر کدام گزینه، با سایرین متفاوت است؟

① احسن‌التواریخ

② عباس‌نامه

③ دیباجه عیار دانش

④ محبوب‌القلوب

پاسخ

① کتاب «احسن‌التواریخ» از نمونه‌های نثر بینابین در سبک هندی است.

سایر آثار به نثر مصنوع نوشته شده‌اند.

## ۱۸. گزاره نادرست درباره «مکتب وقوع» کدام است؟

- ۱) یکی از دو جریان شعری پررونق در قرن دهم به‌رغم آشفتگی‌های پس از سیطره طولانی مدت مغولان و تیموریان بود.
- ۲) دنباله طبیعی شیوه کسانی چون حافظ و سعدی که شعری لطیف و فصیح بود و افرادی چون بابافغانی پرچمدار آن بودند.
- ۳) نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود که البته راه به جایی نبرد.
- ۴) مکتب وقوع همان جریان واقع‌گرایی بین سبک عراقی و سبک هندی است که بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم است و بعدها شاخصه اصلی شعر شاعرانی چون وحشی بافقی می‌شود.

## پاسخ

- ۲) در شعر قرن دهم دو جریان شعری رونق دارد، آنچه در این گزینه آمده است توصیف جریان اول است، جریان دوم یعنی مکتب وقوع (واقع‌گرایی) در سایر گزینه‌ها توصیف شده است.

۱۹. کدام گزینه دربارهٔ اوضاع فرهنگی و اجتماعی قرن دهم نادرست است؟

- ۱) تأثیرگذاری متقابل فرهنگ ایران و هند، آشنایی ایرانیان با تفکرات و معارف هندوان و استقرار و استحکام زبان فارسی در شبه‌قارهٔ هند
- ۲) آشفتگی اوضاع اجتماعی، دانش، فرهنگ و ادبیات در سایهٔ حکومت تیموریان که در هر گوشه‌ای حاکمی از آنان حکومت می‌کرد.
- ۳) توسعه و انتقال کانون‌های فرهنگی و ادبی از کانون‌های داخلی مثل اصفهان، خراسان، آذربایجان و نواحی مرکزی ایران به هندوستان و کساد بازار شعر و ادب در این کانون‌ها
- ۴) ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران در کنار زبان فارسی به واسطهٔ شاهان صفوی

پاسخ

- ۳) هر چند ادبیات و فرهنگ در هند توسعه و رشد یافت اما به این معنی نیست که کانون‌های داخلی دچار کساد شده باشند، اصفهان در این قرن پایتخت شعرا و فضلا بود و مناطق دیگری از ایران هم رشد و توسعه یافتند مانند خراسان، آذربایجان و نواحی مرکزی ایران.

۲۰. کدام گزینه از عوامل مهاجرت شاعران قرن یازدهم به دیار هند

نیست؟

- ① انگیزه شاعران مدیحه‌سرا برای ثروت‌اندوزی و امرار معاش
- ② همراهی شاعران قرن یازدهم با مضامین پند و اندرز، توصیف امور طبیعی، تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید
- ③ بها ندادن به شعر ستایشی در نتیجه فقر و از بین بردن طبقه مدیحه‌سرایان درباری
- ④ رونق بازار قصیده و رواج مدح به رسم دربارهای قدیم در دربار هند

پاسخ

۲. آنچه در این گزینه آمده است از ویژگی‌های شعر قرن یازدهم است ولی از دلایل مهاجرت شاعران به دربار هند نیست.

۲۱. شرح و معرفی تمام گزینه‌ها با توجه به شخصیت مقابل آن به‌جز  
..... درست است.

- ۱ از شاعران سبک هندی و مکتب وقوع که شعرش حدّ واسط سبک دوره عراقی و هندی است. شعرش بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم و تلاش برای رهایی از گرفتاری تقلید بود. (وحشی بافقی)
- ۲ از شاعران تأثیرگذار قرن دهم، مشهور در دقت و ظرافت و رقت معانی در شعر، سراینده شعر لطیف و فصیح و طبیعی و به سبک شاعرانی چون حافظ و سعدی (بابافغانی شیرازی)
- ۳ از مشهورترین شاعران سبک هندی قرن دهم، سراینده غزل‌هایی با خیال‌ها و معانی رنگین و مضمون‌های ابداعی که کاربرد ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره زبان غزل او را به افق خیال عامه نزدیک کرده است. (کلیم کاشانی)
- ۴ از شاعران برجسته سبک هندی است که غزل‌های خیال‌انگیز می‌سراید و مضمون‌های بدیع و دور از ذهن و پیچیده و استعاره‌های رنگین و سرشار از ابهام دارد. (بیدل دهلوی)

۳ کلیم کاشانی شاعر قرن یازدهم است.

۲۲. با توجه به ویژگی‌های سبکی (زبانی، ادبی و فکری) شعر سبک

هندی کدام گزینه به این سبک تعلق ندارد؟

۱) اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی

نبض موجم، در تپیدن بی‌قرار افتاده‌ام

۲) ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد

من ابلهانه گریزم به آبگینه حصار

۳) دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی

یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی

۴) هر شب کواکب کم کنند از روزی ما پاره‌ای

هر روز گردد تنگ‌تر سوراخ این غربال‌ها

پاسخ

۳) این بیت متعلق به سنایی غزنوی شاعر قرن پنجم و اوایل قرن

ششم است و حتی ویژگی‌های سبک عراقی هم هنوز در دوران او شکل نگرفته است.

مضمون‌سازی، تصویرسازی، بیان مضمون در یک بیت (تک بیت گویی) بهره‌گیری از خرافات و اندیشه‌های عامیانه ویژگی‌هایی است که در سایر گزینه‌ها به چشم می‌خورد و مربوط به سبک هندی است و در گزینه «۳» به کار نرفته است.

۲۳. کدام گزینه در مورد ویژگی‌های فکری شعر سبک هندی صادق

نیست؟

- ۱) بازگویی مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان به شیوه‌ای خلاصه‌تر و قابل درک‌تر
- ۲) تلاش برای مضمون‌یابی و ارائه خیال خاص یعنی یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته و بیان آن به صورتی اعجاب‌انگیز
- ۳) خلاصه‌شدن شعر در تک‌بیت و محدودیت طول و عرض معنا در یک بیت و درنهایت برانگیختن حسّ تحسین و اعجاب در حدّ آن بیت
- ۴) استفاده از هر پدیده‌ای در عالم طبیعت یا هر موضوعی در قلمرو ذهن برای مضمون‌سازی و توجه به صورت و زبان به جای توجه به معنی

پاسخ

- ۴) مهم‌ترین ویژگی شعر سبک هندی معنی‌گرایی است نه صورت‌گرایی، معروف است هیچ معنی و مضمونی در جهان نیست که در شعر شاعران این عصر خصوصاً صائب نیامده باشد.

۲۴. کدام گزینه از ویژگی‌های ادبی شعر سبک هندی نیست؟

- ۱) تلمیح خصوصاً تلمیحات غریب و نادر در مضمون‌سازی‌ها نقش فعال دارند.
- ۲) آرایه‌های ادبی، بدیع و بیان تنها به صورت طبیعی و تصادفی استفاده شده است.
- ۳) حسن تعلیل، حس‌آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله از آرایه‌های پرکاربرد این سبک هستند.
- ۴) غزل، قالب مسلط این سبک است اما گاه به چهل بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است.

پاسخ

- ۱) در شعر سبک هندی تلمیح نقش فعالی دارد البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر.

۲۵. کدام گزینه از ویژگی‌های شعر سبک هندی در قرن‌های دهم و

یازدهم نیست؟

۱) خروج شعر از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب و

رونق آن نزد پیشه‌وران و بازاریان

۲) رواج شعر سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم

هجری، شعری دور از استواری و سلامت که برای آینده ادبیات

زیان‌بار بود.

۳) قرارگیری شعر در دسترس عامه و سازگاری آن با آموزه‌های سنتی

شعر عرفانی

۴) روی آوردن شاعران به اندرز، مضمون‌آفرینی و باریک‌اندیشی و

تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه

پاسخ

۳) بخش دوم گزینه «۳»؛ نادرست است زیرا شعر این دوره با

آموزه‌های سنتی عرفانی در تضاد بود.

۲۶. وزن کدام گزینه با بیت زیر یکسان است؟

«همان عمل کند اندر مصاف خنجرها

که ذوالفقار علی کرد در صف صفین»

۱) من و باد صبا نالان دو سرگردان دو بی‌حاصل

من از افسون چشم‌ت مست و او از تاب گیسویت

۲) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من

چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

۳) اسیر بند شکم را دو شب نگیرد خواب

شبی ز معده سنگین، شبی ز دلتنگی

۴) عمر چون قافله ریگ روان در گذر است

تا بنا بر سر این ریگ روان نگذاری

## پاسخ

۳) هر دو بیت بر وزن: «مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فعَلن» هستند.

هستند.

|         |     |    |     |        |    |     |     |         |     |    |     |       |     |
|---------|-----|----|-----|--------|----|-----|-----|---------|-----|----|-----|-------|-----|
| هـَ     | مان | عَ | مَل | کُ     | نَ | دَن | دَر | مَ      | صا  | فِ | خَن | جَر   | ها  |
| -       | U   | -  | U   | U      | U  | -   | -   | U       | -   | U  | -   | -     | -   |
| اَ      | سی  | رِ | بَن | دِ     | شِ | کَم | را  | دُ      | شَب | نَ | گی  | رَد   | خاب |
| -       | U   | -  | U   | U      | U  | -   | -   | U       | -   | U  | -   | -     | -   |
| مفاعِلن |     |    |     | فعلاتن |    |     |     | مفاعِلن |     |    |     | فعَلن |     |

۲۷. کدام گزینه بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» سروده شده است؟

- ۱) ای سکندر تا به کی حسرت خوری بر حال خضر؟
- ۲) سال‌ها در جهان زیستم من  
ره نبردم که خود کیستم من
- ۳) باز عشق آمد و کار دل از او مشکل شد  
هر چه تدبیر خرد بود همه باطل شد
- ۴) ای خداوندی که از ایام اگر خواهی بیایی  
جز نظیر خویش دیگر هر چه از خاطر برآید

پاسخ

۴۴ تقطیع بیت چنین است:

|         |    |    |     |         |    |    |     |         |    |     |    |         |    |    |     |
|---------|----|----|-----|---------|----|----|-----|---------|----|-----|----|---------|----|----|-----|
| ای      | خُ | دا | وَن | دی      | کِ | آز | آی  | یا      | مَ | گَر | خا | هی      | بِ | یا | بی  |
| جُز     | نَ | ظی | رِ  | خی      | ش  | دی | گَر | هَر     | چِ | آز  | خا | طِر     | بَ | را | یَد |
| -       | U  | -  | -   | -       | U  | -  | -   | -       | U  | -   | -  | -       | U  | -  | -   |
| فاعلاتن |    |    |     | فاعلاتن |    |    |     | فاعلاتن |    |     |    | فاعلاتن |    |    |     |

وزن سایر ابیات:

گزینه «۱»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه «۲»: فاعلن فاعلن فاعلن فع

گزینه «۳»: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلن

## ۲۸. پایه‌های آوایی و وزن‌واژه معادل آن در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

- ۱) تو را هر چه مشغول دارد ز دوست  
اگر راست خواهی دل‌رامت اوست  
(راست خواهی: فاعلاتن)
- ۲) سعدی چو جورش می‌بری نزدیک او دیگر مرو  
ای بی‌بصر من می‌روم او می‌کشد قَلاب را  
(رش می‌بری: مستفعلن)
- ۳) مدعی پیوسته گوید عیب او غافل که عشق  
چهره لیلی نمود از دیده مجنون مرا  
(غافل که عشق: مستفعلن)
- ۴) چون بخت نیک‌انجام را با ما به کلی صلح شد  
بگذار تا جان می‌دهد بدگوی بدفرجام را  
(گوی بد فر: فاعلاتن)

### پاسخ

- ۲) بیت بر وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است؛ «رش می‌بری» رکن و پایه آوایی دوم از مصراع اول است. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: «۱»: بیت بر وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» است، پس پایه آوایی و رکن معادل «فاعلاتن» ندارد.
- گزینه ۳: «۳»: بیت بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است، پس پایه آوایی و رکن معادل «مستفعلن» ندارد.
- گزینه ۴: «۴»: بیت بر وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است، پس پایه آوایی و رکن معادل «فاعلاتن» ندارد.

۲۹. آرایه‌های نسبت داده شده به تمام گزینه‌ها به جز ..... درست است.

- ۱) باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند  
سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد  
(استعاره مکنیه، تشخیص، تناسب)
- ۲) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟  
منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست  
(استعاره مکنیه، مجاز، تشخیص)
- ۳) آیینه‌ات دانی چرا غمّاز نیست؟  
زانکه زنگار از رخسار ممتاز نیست  
(اضافه استعاری، استعاره مصرّحه، مجاز)
- ۴) دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر  
کای نور چشم من به جز از کشته ندروی  
(استعاره مصرّحه، مجاز، استعاره مکنیه)

## پاسخ

- ۴ «نور چشم»، استعاره مصرّحه از فرزند است و «کشته»، استعاره مصرّحه از «اعمال و اندیشه‌ها». استعاره مصرّحه، مجاز بر بنیاد و علاقه شباهت است. استعاره مکنیه در این بیت به چشم نمی‌خورد.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: باغ، سرو، سبزه و غنچه: مراعات نظیر و تناسب / آوردن فعل‌های انسانی برای آن‌ها تشخیص است و هر تشخیص، استعاره مکنیه هم محسوب می‌شود.
- گزینه «۲»: ای نسیم سحر: تشخیص و استعاره مکنیه / مه عاشق‌کش: استعاره مصرّحه از معشوق است که مجاز هم محسوب می‌شود.
- گزینه «۳»: «آینه» استعاره از «دل» است، استعاره مصرّحه که مجاز هم محسوب می‌شود، رخسار (رخ او و رخ آینه) اضافه استعاری و

تشخیص است، چون مرجع ضمیرش «آینه» است و آوردن «رخ»  
برای آینه تشخیص و استعارهٔ مکنیه محسوب می‌شود.

۳۰. در کدام گزینه هم استعاره مصرّحه و هم استعارهٔ مکنیه به کار رفته است؟

۱) شب را به بوستان با یکی از دوستان اَتّفاقِ مَبیت افتاد، موضعی خوش و خرم و درختان درهم، گفتی خردۀ مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریّا از تاکش درآویخته.

۲) نه این برف را دیگر سر باز ایستادن نیست برفی که بر ابرو و موی ما می‌نشیند.

۳) ای آبشار نوحه‌گر از بهر چیستی؟

چین برجبین فکنده ز اندوه کیستی؟

۴) کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

## پاسخ

۲) «برف» استعارهٔ مصرّحه از «موی سفید» است، آوردن «سر» (قصد) بازایستادن» برای آن تشخیص و استعارهٔ مکنیه است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «خردۀ مینا» و «عقد ثریّا» استعارهٔ مصرّحه هستند.

گزینهٔ «۳»: «ای آبشار» تشخیص و استعارهٔ مکنیه است.

گزینهٔ «۴»: «رخ اندیشه» و «زلف سخن» استعارهٔ مکنیه هستند.

۳۱. در کدام گزینه استعاره مصرحه به چشم نمی‌خورد؟

- ۱) هان ای دل عبرت‌بین از دیده عبر کن هان  
ایوان مداین را آینه عبرت دان
- ۲) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت  
فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود
- ۳) موی سفید را فلکم رایگان نداد  
این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام
- ۴) با کاروان حله برفتم ز سیستان  
با حله تنیده ز دل بافته ز جان

پاسخ

۱ «ای دل» استعاره مکنیه است، اما استعاره مصرحه به چشم نمی‌خورد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «نرگس» استعاره از «چشم»

گزینه «۳»: «این رشته» استعاره از «موی سفید»

گزینه «۴»: «حله» در مصراع دوم استعاره از «شعر شاعر»

۳۲. معنی، معادل و مفهوم بخش مشخص شده در کدام گزینه نادرست آمده است؟

۱. خرّقه از ما می‌ستاند نافهٔ مشکین نفس

از هواداران آن زلف پریشانیم ما  
(ارادت و جانبداری)

۲. پشت چون آئینه بر دیوار حیرت داده‌ایم

والهٔ خار و گل این باغ و بستانیم ما  
(صفا و پاکی)

۳. صبحگاهی سر خناب جگر بگشاید

ژالهٔ صبحدم از نرگس تر بگشاید  
(اشک)

۴. بشکن دل بی‌نوای ما را ای عشق

این ساز شکسته‌اش خوش‌آهنگ‌تر است  
(اصطلاحی در موسیقی)

پاسخ

۲ «پشت بر دیوار حیرت دادن» به معنای دچار حیرت شدن است، در مصراع دوم هم همین مفهوم (واله و حیران شدن) آمده است.

۳۳. با توجه به متن «از طبقه علّیه شعرا که ناظران مناظم سخن‌پیرایی و پیرانه‌بندان، سلسله معنی‌آرایی‌اند در آن هنگام در اردوی معلّا و ممالک محروسه، شاعران سخنور و سخنوران بلاغت‌گستر بی‌شمار بودند، در اوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی توجّه تمام به حال این طبقه بود.» معنی و معادل کدام بخش نادرست آمده است؟

۱) ناظران مناظم سخن‌پیرایی: طبقه علّیه شعرا

۲) پیرانه‌بندان سلسله معنی‌آرایی: سخنوران بلاغت‌گستر

۳) اردوی معلّا و ممالک محروسه: سرزمین‌های تحت حکومت مرکزی

۴) حضرت خاقانی جنت مکانی: شاعر توانمند و گران‌قدر، خاقانی شروانی

پاسخ

۴) منظور از «حضرت خاقانی جنت مکانی» شاه صفوی است، که به شاعران توجه داشته است.

۳۴. کدام گزینه با بیت «چون چراغ صبحدم اکنون ندارم روشنی / محرم هنگامه‌اش چون شمع بودم پیشتر» قربت معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی  
نبض موجم، در تپیدن بی‌قرار افتاده‌ام
- ۲) دست رغبت کس نمی‌سازد به سوی من دراز  
چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده‌ام
- ۳) عقده‌ای هرگز نکردم باز از کار کسی  
در چمن بیکار چون دست چنار افتاده‌ام
- ۴) روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام  
چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام

پاسخ

۴۴. مضمون مشترک: «بی‌اعتباری در نظر یار»

بررسی ابیات:

بیت سؤال: روزگاری مثل شمع، روشنی‌بخش محفلش بودم، حالا بی‌اعتبار و بی‌استفاده شده‌ام.

مفاهیم سایر ابیات:

گزینه «۱»: دچار سرگشتگی و حیرت شده‌ام و از خودم هیچ اختیاری ندارم، مثل موجی که بی‌اختیار می‌تپد.

گزینه «۲»: کسی به من علاقه و توجهی ندارد، مثل گلی که روی مزاری افتاده و پژمرده شده است.

گزینه «۳»: بی‌استفاده و بیهوده‌ام چون گره از کار کسی باز نکرده‌ام، مثل درخت چنار که بی‌ثمر و بیهوده است.

گزینه «۴»: مدتی است که بی‌اعتبار شده‌ام و از چشم‌ها افتاده‌ام. یار هم به من توجه نمی‌کند.

۳۵. هر دو مورد کدام گزینه مفهوم مشترک دارند؟

۱) دگر باره خیاط باد صبا

بر اندام گل دوخت رنگین قبا  
موضعی خوش و خرم، گفتی که خردۀ مینا بر خاکش ریخته و عقد  
ثریا از تاکش درآویخته.

۲) ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را

خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را  
ای خرمن گل خوشه چین پیش تن و اندام تو  
بلبل نخواند وصف گل تا من نگویم نام تو

۳) ای سرو پای بسته به آزادگی مناز

آزاده من که از همه عالم بریده‌ام  
ای سرو غنچه لب ز گلستان کیستی  
وی ماه روز وش ز شبستان کیستی

۴) نه / این برف را دیگر سر باز ایستادن نیست / برفی که بر ابرو و  
موی ما می‌نشیند.

پشت شیشه برف می‌بارد / در سکوت سینه‌ام دستی / دانه اندوه  
می‌کارد

پاسخ

۱) مفهوم مشترک: فرارسیدن بهار و رویش و شکفتن گل‌ها و  
سرسبزی.

الف) بار دیگر باد صبا همچون خیاط لباس رنگین (شکوفه‌ها، برگ‌ها  
و گل‌ها) را بر تن گل دوخت و گل‌ها را شکوفا کرد.

ب) فضا و جایگاهی خوب و باصفا بود که گویی روی خاک آن  
خرده‌های شیشه (گل‌های رنگارنگ) ریخته بودند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»:

الف) متهم کردن معشوق زیبا به بی‌وفایی و یادآوری ستم‌هایش

ب) توصیف زیبایی و معشوق و ترجیح آن بر گل‌های زیبا

گزینه «۳»:

الف) وصف عزلت، گوشه‌نشینی و آزادگی شاعر و ترجیح آن بر سرو

که به آزادگی مشهور است.

ب) وصف معشوق و شباهتش به سرو و ماه

گزینه «۴»:

الف) وصف فرارسیدن پیری و سفید شدن بی‌امان موها

ب) توصیف بارش برف و اندوه شاعر

## ۳۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾

- ① خدای بخشنده، به آموزش قرآن پرداخت، انسان را خلق کرد، حرف زدن را به او می‌آموزد!
- ② خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را خلق کرد، از او سخن گفتن را یاد گرفت!
- ③ خدای بخشاینده، به آموزش قرآن پرداخت، انسان را آفرید، حرف زدن را به او یاد می‌داد!
- ④ خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن گفتن را به او آموخت!

## پاسخ

④ کلمات مهم: «عَلَّمَ» یاد داد / «خَلَقَ»: خلق کرد، آفرید / «الْبَيَانَ»:

سخن گفتن

خطای سایر گزینه‌ها:

- گزینه «۱»: به آموزش پرداخت (معادل فارسی «قَامَ بِتَعْلِيمٍ» است و نه «عَلَّمَ»!) - می‌آموزد («عَلَّمَ» فعل ماضی است و نه فعل مضارع!)
- گزینه «۲»: یاد گرفت (معادل فارسی «تَعَلَّمَ» است و نه «عَلَّمَ»!)
- گزینه «۳»: پرداخت (مانند ۱) - یاد می‌داد («عَلَّمَ» فعل ماضی ساده است و نه ماضی استمراری!)

فیلم پاسخ



۳۷. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «أَسَرَ الْمُسْلِمُونَ فِي غَزْوَةِ طَيِّءِ ابْنَةَ أَبِيهَا يَنْشُرُ السَّلَامَ فِي الْمَجْتَمَعِ وَ يُحَاوِلُ لِحِمَايَةِ الْأَهْلِ!»:

- ۱) مسلمانان در جنگ طی دختری را اسیر کردند که پدرش صلح را در جامعه پخش می‌کرد و برای پشتیبانی از خانواده، تلاش می‌کرد!
- ۲) مسلمانان در جنگ طی دختری را اسیر کردند که پدرش صلح را در جامعه می‌گستراند و می‌کوشید تا از خانواده حمایت کند!
- ۳) مسلمانان در جنگ طی پسری را اسیر کردند که پدرش آشتی را در جامعه می‌گستراند و در پشتیبانی از خانواده، کوشا بود!
- ۴) مسلمانان در جنگ طی پسری را اسیر کردند که پدرش آشتی را در جامعه پخش می‌کرد و تلاشش این بود که از خانواده حمایت کند!

## پاسخ

- ۱) کلمات مهم: «أَسَرَ»: اسیر کردند / «غَزْوَةُ»: جنگ / «ابْنَةُ»: دختری / «يَنْشُرُ»: پخش می‌کرد، می‌گستراند / «يُحَاوِلُ»: تلاش می‌کرد / «حِمَايَةِ الْأَهْلِ»: حمایت از خانواده، پشتیبانی از خانواده  
خطای سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۲»: تا حمایت کند (معادل «لِيَحْمِي» است، «حِمَايَةِ» اسم است نه فعل!)
- گزینه «۳»: پسری (معادل فارسی «وَلَدًا» است و نه «ابْنَةً!») - «کوشا بود» معادل فارسی «كَانَ مُجِدِّدًا» است و نه «يُحَاوِلُ»، «يُحَاوِلُ» فعل مضارع است و نباید به صورت اسم ترجمه شود!
- گزینه «۴»: پسری (مانند ۱) - تلاشش (معادل فارسی «مُحَاوَلَتُهُ» است و نه «يُحَاوِلُ!»)

فیلم پاسخ



۳۸ عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «الرَّجُلُ الْفَاضِلُ أَعْطَانِي مَوْعِظَةً قِيَمَةً تَمْنَعُنِي عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي وَالْوُقُوعِ فِي بُئْرِ الضَّلَالَةِ!»:

- ① مردِ دانشمندی به من اندرزی ارزشمند داد و او مرا از انجام دادنِ گناهان و سقوط در چاه گمراهی منع می‌کرد!
- ② مردِ دانا به من اندرز باارزش داد که من را از انجام دادنِ گناهان و افتادن در چاه گمراهی منع کرد!
- ③ مردِ دانشمند به من پندهایی باارزش داد و مرا از انجام دادنِ گناهان و سقوط در چاه گمراهی بازداشت!
- ④ مردِ دانا به من پندی ارزشمند داد که من را از انجام دادنِ گناهان و افتادن در چاه گمراهی بازمی‌داشت!

## پاسخ

④ کلمات مهم: «الرَّجُلُ الْفَاضِلُ»: مردِ دانا، مردِ دانشمند / «أَعْطَانِي»: مرا داد، به من داد / «ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي»: انجام دادنِ گناهان / «بُئْرِ الضَّلَالَةِ»: چاهِ گمراهی / «الْوُقُوعِ»: افتادن خطای سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مردِ دانشمندی (معادل فارسی «رَجُلٌ فَاضِلٌ» است و نه «الرَّجُلُ الْفَاضِلُ»؛ «الرَّجُلُ الْفَاضِلُ»: ترکیب وصفی است که از دو اسم معرفه تشکیل شده است!) - «تَمْنَعُ» فعلی درباره اسم نکره است و در ترجمه قبل از آن باید حرف «که» بیاید و نه حرف «و»!

گزینه «۲»: اندرز باارزش (معادل فارسی «المَوْعِظَةُ الْقِيَمَةُ» و نه «مَوْعِظَةُ قِيَمَةٍ»؛ «مَوْعِظَةُ قِيَمَةٍ» ترکیب وصفی است که از دو اسم نکره تشکیل شده است!) - منع کرد («تَمْنَعُ» فعل مضارعی درباره اسم نکره است و چون قبل از آن فعل ماضی آمده است؛ در ترجمه به صورت ماضی استمراری می‌آید و نه ماضی ساده!)

گزینه «۳»: پندهایی («مَوْعِظَةُ» مفرد است و ترجمه آن به صورت جمع نادرست است!) - بازداشت («تَمْنَعُ» فعل مضارعی درباره اسم نکره است و چون قبل از آن فعل ماضی آمده است؛ در ترجمه به صورت ماضی استمراری می‌آید و نه ماضی ساده!)

فیلم پاسخ



## ۳۹. عَيْن الصَّحِيح:

- ① أ لَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ الْإِصْرَارَ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ مِنَ الْأَخْطَاءِ الْعَظِيمَةِ؟! آیا نمی‌دانید که پافشاری کردن بر نقاط اختلاف از اشتباهات بزرگ است؟!
- ② مَا نَتَعَلَّمُ مِنَ الْعُلُومِ الْمُفِيدَةِ تَبَعْدُنَا عَنِ الْجَهْلِ! چیزی را که از دانش‌های سودمند بیاموزیم از نادانی دور می‌شویم!
- ③ مَا تَطْلُبِي مِنَ الْخَيْرِ لِلْآخِرِينَ فَسَتُشَاهِدِينَ نَتِيجَتَهُ! هرچه از خوبی برای دیگران خواستی، نتیجه‌اش را خواهی دید!
- ④ كَذِبُكَ كَادَ أَنْ يَقْتُلَكَ، فَانْتَبِهْ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ وَ لَا تَكْذِبْ مِنْ جَدِيدٍ! دروغ تو نزدیک بود که تو را بکشد. پس از خواب غفلت بیدار شو و از نو دروغ نگو!

## پاسخ

## ④ ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:

- گزینه «۱»: آیا ندانستید که پافشاری کردن بر نقاط اختلاف از اشتباهات بزرگ است؟! («لَمْ تَعْلَمُوا» معادل ماضی منفی است نه مضارع!)
- گزینه «۲»: هرچه را که از دانش‌های سودمند بیاموزیم، ما را از نادانی دور می‌کند! («تَبَعْدُنَا» از فعل «تَبَعَّدَ» + ضمیر «نا» تشکیل شده است، در نتیجه این فعل غایب است نه متکلم مع‌الغیر!)
- گزینه «۳»: هرچه از خوبی برای دیگران بخواهی، نتیجه‌اش را خواهی دید! («تَطْلُبِي» فعل مضارع است، ولی «خواستی» ماضی است!)

فیلم پاسخ



۴۰ «آزمون‌ها، دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌های مدرسه

کمک می‌کند!» عین الصّحیح:

① الامتحانات تُعینُ التّلميذات لِيتَعَلَّمنَ دُروسَ المَدْرسة!

② الامتحانات تُعینُ الطّالبات لِتعلیم دُروسَ المَدْرسة!

③ الامتحانات تُساعدُ الطّلاب لِتَعَلَّم دُروسَ المَدْرسة!

④ الامتحانات تُساعدُ التّلاميذ لِيتَعَلَّموا دُروسَ المَدْرسة!

پاسخ

۳ کلمات مهم: دانش‌آموزان: «التّلميذات، التّلاميذ، الطّالبات،

الطّلاب» / برای یادگیری: «لِتَعَلَّم» (یادگیری مصدر است، نه فعل).

خطای سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: لِيتَعَلَّمنَ (این فعل به معنای «تا یاد بگیرند» است و نه

«برای یادگیری»!)

گزینه «۲»: لِتعلیم (به معنای «برای یاد دادن» است و نه «برای

یادگیری»!)

گزینه «۴»: لِيتَعَلَّموا (این فعل به معنای «تا یاد بگیرند» است و نه

«برای یادگیری»!)

فیلم پاسخ



## ۴۱. عَيْنَ الْأَقْرَبِ مِنَ الْمَفْهُومِ:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾:

① فسوَنگر در حدیث چاره‌جویی

فسوَنی به ندید از راست‌گویی!

② إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ!

③ درختِ دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهالِ دشمنی بَرکن که رنج بی‌شمار آرد!

④ عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِّنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ!

## پاسخ

① ترجمه عبارت: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و

با راستگویان باشید!»

بیت گزینه «۱»: نزدیک‌ترین مفهوم (الأقرب) برای عبارت صورت

سؤال است که به راستگویی اشاره شده است!

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: انسان را از دوستی با نادان برحذر داشته است و به

زیان‌های دوستی با انسان نادان اشاره دارد!

گزینه «۳»: شاعر انسان را به دوستی کردن و پرهیز از دشمنی کردن

دعوت کرده است!

گزینه «۴»: این گزینه می‌گوید: «دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان

است!»

فیلم پاسخ



۴۲

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

سَلَّمَ رَجُلٌ فَقِيرٌ عَلَى أَحَدِ الصَّحَابَةِ فِي الطَّرِيقِ، فَرَدَّ الصَّحَابِيُّ السَّلَامَ بِبُرُودَةٍ. بَعْدَ مَدَّةٍ سَلَّمَ رَجُلٌ غَنِيٌّ عَلَى ذَلِكَ الصَّحَابِيِّ فَنَهَضَ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ وَرَدَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِحَرَارَةٍ وَصَافَحَهُ بِاحْتِرَامٍ وَرَحَّبَ بِهِ ... لَمَّا وَصَلَ الْخَبَرَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَأَسَّفَ وَقَالَ: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءَ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَان.»

(صَافَحَ: دَسْتُ دَاد / رَحَّبَ: خُوشَامَدِ گُفْتُ)

عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ:

- ① سَلَّمَ النَّبِيُّ (ص) عَلَى الصَّحَابِيِّ بِحَرَارَةٍ!
- ② نَهَضَ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ لِلرَّجُلِ الْفَقِيرِ وَرَدَّ سَلَامَهُ بِبُرُودَةٍ!
- ③ رَدَّ السَّلَامَ الصَّحَابِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ!
- ④ مَا كَانَ عَمَلُ الصَّحَابِيِّ مَذْمُومًا!

پاسخ

③ ترجمه متن:

مردی فقیر به یکی از صحابه در راه سلام کرد، و شخص صحابی، سلام او را به سردی برگرداند (پاسخ داد). پس از مدتی مردی ثروتمند به آن صحابی سلام کرد، پس صحابی از جایش بلند شد و سلام او را به گرمی پاسخ داد و با او با احترام دست داد و به او خوشامد گفت. زمانی که خبر به رسول خدا (ص) رسید، متأسف شد و فرمود: «هرکس با فقیر مسلمانی روبه‌رو شود و به او برخلاف سلامش با ثروتمندان سلام کند، در روز قیامت با خداوند عزوجل روبه‌رو می‌شود، در حالی که (خدا) بر او خشمگین است.»

ترجمه گزینه‌ها:

- گزینه «۱»: پیامبر به گرمی به صحابی سلام کرد. (نادرست)
- گزینه «۲»: صحابی برای مرد فقیر از جایش بلند شد و سلامش را به سردی پاسخ داد. (نادرست)
- گزینه «۳»: صحابی بر فقیر برخلاف سلامش بر ثروتمند جواب سلام داد.

فیلم پاسخ



گزینه «۴»: کار صحایی ناپسند نبود. (نادرست)

۴۳. اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْسَبُ لِلنَّصِّ:

سَلَّمَ رَجُلٌ فَقِيرٌ عَلَى أَحَدِ الصَّحَابَةِ فِي الطَّرِيقِ، فَرَدَّ الصَّحَابِيُّ السَّلَامَ بِرُودَةٍ. بَعْدَ مَدَّةٍ سَلَّمَ رَجُلٌ غَنِيٌّ عَلَى ذَلِكَ الصَّحَابِيِّ فَنَهَضَ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ وَرَدَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِحَرَارَةٍ وَصَافَحَهُ بِاحْتِرَامٍ وَرَحَّبَ بِهِ ... لَمَّا وَصَلَ الْخَبَرَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَأَسَّفَ وَ قَالَ: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءَ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَان.»

(صَافَحَ: دَسْتُ دَاد / رَحَّبَ: خُوشَامَدِ گُفْتُ)

عَيِّنِ الْعِنَوَانَ الْمُنَاسِبَ لِلنَّصِّ:

۱) صَافَحَ النَّاسَ بِاحْتِرَامٍ

۲) لَا فَرْقَ بَيْنَ غَنِيٍّ وَ فَقِيرٍ

۳) سَلَامٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ

۴) مَنْ جَدَّ وَجَدَ

پاسخ

۲) ترجمه متن:

مردی فقیر به یکی از صحابه در راه سلام کرد، و شخص صحابی، سلام او را به سردی برگرداند (پاسخ داد). پس از مدتی مردی ثروتمند به آن صحابی سلام کرد، پس صحابی از جایش بلند شد و سلام او را به گرمی پاسخ داد و با او با احترام دست داد و به او خوشامد گفت. زمانی که خبر به رسول خدا (ص) رسید، متأسف شد و فرمود: «هرکس با فقیر مسلمانی روبه‌رو شود و به او برخلاف سلامش با ثروتمندان سلام کند، در روز قیامت با خداوند عزوجل (بلندمرتبه) روبه‌رو می‌شود، در حالی که (خدا) بر او خشمگین است.»

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه «۱»: با مردم با احترام دست بده

گزینه «۲»: هیچ فرقی بین ثروتمند و فقیر نیست.

گزینه «۳»: سلام بر رسول خدا

گزینه «۴»: هرکس تلاش کند، می‌یابد.

فیلم پاسخ



۴۴. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْإِعْرَابِ:

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾

۱ التَّوْبَةُ: اسم - للمفرد المؤنث - مُعْرِفٌ بِأَل - مُعْرَبٌ / فاعلٌ و مرفوعٌ بالضمة

۲ عِبَاد: اسم - جمع تكسيرٍ و مُفْرَدُهُ «عَبْد» - مذكّر - مُعْرَبٌ / مجرورٌ بحرف الجرّ

۳ «لَمْ يَعْلَمُوا»: فعلٌ مضارعٌ - للجمع المذكر الغائب - ثلاثي مجرّد / فعل و فاعله مَحذوف

۴ يَقْبَلُ: فعلٌ مضارعٌ - ثلاثي مجرّد «مَصْدَرُهُ: إِقْبَال» - مُتَعَدٍّ / فعل و مع فاعله جملة فعلية

پاسخ

۲ خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فاعلٌ و مرفوعٌ بالضمة «التَّوْبَةُ» نقش مفعول را دارد و از نظر اعراب، منصوب است!

گزینه «۳»: فعل و فاعله مَحذوف «لَمْ يَعْلَمُوا» فعل معلوم است نه مجهول، پس فاعل آن حذف نشده است!

گزینه «۴»: مَصْدَرُهُ: إِقْبَال «يَقْبَلُ» فعل مضارع و ثلاثي مجرّد است و مصدر آن، «قَبُول» است و نه «إِقْبَال»! «إِقْبَال» مصدر باب «إِفعال» است.

فیلم پاسخ



## ۴۵. عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

① يُعْجِبُنِي عَيْدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ!

② مِنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ وَ يَصِلُ إِلَى أَهْدَافِهِ!

③ مَا كَانَ يَعْرِفُ أَخِي الْأَصْغَرَ السَّبَاحَةَ فَصَرَخَ النَّجْدَةُ!

④ كَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ!

پاسخ

## ۲. خطاهای این گزینه:

مِنْ «(مِنْ: از)» حرف جرّ است و هیچگاه بر سر فعل نمی آید، اما در این عبارت بر سر فعل «يَجْتَهِدُ» به کار رفته است، در نتیجه «مِنْ: هر کس» صحیح است. - يَجْتَهِدُ (مضارع باب «إِفْتَعَال» بر وزن «يَفْتَعِلُ» است، در نتیجه «يَجْتَهِدُ» صحیح است.)

فیلم پاسخ



۴۶. عَيْن ما ليس فيه «ال» بمعنى اسم الإشارة:

- ① دَخَلْتُ فِي مَسْجِدٍ كَانَتْ فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَتَانِ!
- ② أَشَاهِدُ زَمِيلَتَيْنِ فِي السَّاحَةِ. الزَّمِيلَتَانِ مَسْرُورَتَانِ!
- ③ قَرَأْتُ آيَاتِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ إِلَّا قَلِيلًا مِنْ هَذِهِ الْآيَاتِ!
- ④ هُنَاكَ رَجَالٌ يُحْسِنُونَ إِلَى الْفُقَرَاءِ. يَكُونُ الرِّجَالُ أَغْنِيَاءَ!

پاسخ

۳. بررسی سایر گزینه‌ها:

- در گزینه «۱»، «ال» در «المَسْجِد» به معنای اسم اشاره است!
- در گزینه «۲»، «ال» در «الزَّمِيلَتَانِ» به معنای اسم اشاره است!
- در گزینه «۴»، «ال» در «الرِّجَالِ» به معنای اسم اشاره است!

نکته

هرگاه اسم نکره‌ای در جمله بیاید و همان اسم در جمله بعد، همراه «ال» بیاید؛ «ال» به معنای اسم اشاره می‌باشد!

فیلم پاسخ



## ۴۷. عَيِّن اللَّامَ يَدُلُّ عَلَى الْأَمْرِ:

- ① لِنَصِلْ إِلَى غَايَاتِنَا الْعَالِيَةِ وَ آمَلْنَا حَاوَلْنَا كَثِيرًا!
- ② لِنَفْهَمُ نُصُوصَ الدَّرْسِ الصَّعْبَةِ نَسْتَعِينُ بِمُعْجَمٍ!
- ③ لِيَجِدَ النَّجَّارُ فُرْصَةً لِلِاسْتِرَاحَةِ تَقَاعَدَ مِنَ الْمَصْنَعِ!
- ④ لِأَسَاعِدَ فِي حَلِّ الْمَشْكِلةِ صَدِيقًا أَعْرِفُهُ مِنَ الشَّبَابِ!

پاسخ

۴ در این گزینه، «ل» در «لِأَسَاعِدَ» لام امر به غایب به معنای «باید» است: «باید در حلّ مشکل، دوستی را یاری کنم که او را از جوانی می‌شناسم!»

در سایر گزینه‌ها، «ل» در «لِنَصِلْ، لِنَفْهَمُ، لِيَجِدَ» لام ناصبه به معنای «برای اینکه» است!

فیلم پاسخ



## ۴۸. عَيْن الوصف جملة:

- ① ﴿وَمَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾
- ② هَاتَانِ الْبِنْتَانِ رَفَعَتَا عِلْمَ إِيْرَانِ وَشَعَرَتَا بِالْإِفْتِيْخَارِ!
- ③ مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيْرًا يَصِلُ إِلَى سَعَادَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ!
- ④ غَضِبَ أَحَدُ الْأَفْضَلِ عَلَى عَمِيْلٍ يَتَظَاهَرُ بِالتَّدْيِيْنِ!

پاسخ

۴ در این گزینه، «يَتَظَاهَرُ» صفت از نوع جمله وصفیه (جمله‌ای درباره اسم نکره) است و موصوف آن، «عَمِيْلٍ» می‌باشد: «یکی از شایستگان بر مزدوری خشمگین شد که به دینداری وانمود می‌کرد!»

بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»: «تَجِدُوا» جواب شرط است و نباید آن را با صفت از نوع جمله وصفیه (جمله‌ای درباره اسم نکره) اشتباه بگیریم!

در گزینه «۲»: اصلاً اسم نکره نداریم که بخواهیم بعدش به دنبال جمله‌ای که آن را توصیف کند، بگردیم.

در گزینه «۳»: «يَصِلُ» جواب شرط است و نباید آن را با صفت از نوع جمله وصفیه (جمله‌ای درباره اسم نکره) اشتباه بگیریم!

فیلم پاسخ



## ۴۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي نفي الفعل:

① تَكَاتَبَ ← لَمْ تَكَاتَبْ

② اُكْتُبُوا ← لَا تَكْتُبُونَ

③ سَاعِدُوا ← لَمْ يُسَاعِدُوا

④ سَأَقْرَأُ ← لَا أَقْرَأُ

## ۳. برای منفی کردن یک فعل ماضی دو راه وجود دارد:

۱- ما + ماضی

۲- لَمْ + مضارع مجزوم

بنابراین گزینه «۳» صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «لَمْ يَتَكَاتَبْ» یا «ما تَكَاتَبَ» (دقت کنید که «لَمْ» بر سر

فعل ماضی به کار نمی‌رود!)

گزینه «۲»: «لَا تَكْتُبُوا» (منفی فعل امر، فعل نهی است و ساختار آن

«لا + مضارع مجزوم» است!)

گزینه «۴»: «لَنْ أَقْرَأُ» («سَأَقْرَأُ» معادل مستقبل است و برای منفی

کردن آن باید از «لَنْ + مضارع منصوب» استفاده کنیم!)

فیلم پاسخ



۵۰ عَيْنَ مضارعاً يُترجم إِلَى المضارع الالتزامي:

① كَانَ أَخِي يَجْتَهِدُ لِلْفَوْزِ فِي الْمُبَارَاةِ الْعِلْمِيَّةِ!

② سَوْفَ أَكْتُبُ مَقَالَهَ حَوْلَ فَضَائِلِ أَثْمَتِنَا!

③ شَارَكْنَا فِي تِلْكَ الْجُلُوسَةِ لِنُقَوِّي تَدْيُنَنَا!

④ لَنْ تُعَامِلُوا الْآخَرِينَ بِإِسَاءَةِ الْأَدَبِ أَبَدًا!

پاسخ

۳ در این گزینه، «لِنُقَوِّي» فعل مضارعی است که به صورت مضارع

التزامی ترجمه می شود!

بررسی سایر گزینه ها:

در گزینه «۱»: «كَانَ يَجْتَهِدُ» به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

در گزینه «۲»: «سَوْفَ أَكْتُبُ» به صورت مستقبل ترجمه می شود!

در گزینه «۴»: «لَنْ تُعَامِلُوا» به صورت مستقبل منفی ترجمه می شود!

فیلم پاسخ



۵۱ سلسله مناسب با هر کدام از موارد زیر کدام است؟

الف) پایه‌گذاری توسط دودمان‌های زمین‌دار

ب) از سادات علوی بودند

ج) بنیان‌گذاران آنها از مردم عادی بودند

۱) طاهریان - زیاریان - آل‌بویه

۲) سامانیان - زیاریان - صفاریان

۳) طاهریان - علویان - آل‌بویه

۴) سامانیان - علویان - طاهریان

۳ الف) طاهریان - سامانیان

ب) علویان

ج) آل‌بویه - صفاریان

۵۲ چند مورد از عبارت‌های زیر دربارهٔ سلسله‌های ایرانی در دوران عباسیان نادرست است؟

الف) تشدید جنبش‌های ضد خلافت، هارون را متوجه لزوم تغییر در شیوهٔ ادارهٔ قلمرو خلافت کرد.

ب) رابطهٔ حکومت صفاریان با خلافت، همواره خصمانه بود و در نهایت منجر به نابودی این سلسله شد.

ج) نخستین کتاب جغرافیایی به زبان فارسی، حدود العالم من المشرق الى المغرب است.

د) فارابی در کتاب دانشنامهٔ علایی برای اولین بار یک دوره فلسفه را به زبان فارسی تألیف کرد.

ه) مدرسهٔ پزشکی جندی شاپور تا قرن دوم هجری به فعالیت خود ادامه داد و پس از جرجیس بن جبرائیل از آنجا به بغداد رفت.

و) جانشینان مرداویج زیاری که قلمروشان به خطهٔ شمالی کشور محدود شده بود از خلیفه اطاعت کردند.

۱) ۲

۲) ۳

۳) ۴

۴) ۱

۳ بررسی عبارت‌ها:

الف) نادرست است؛ این اتفاق در دورهٔ مأمون رخ داد.

ب) نادرست است؛ رابطهٔ صفاریان در ابتدای دورهٔ عمرو لیث با خلیفه خوب شد.

ج) درست است.

د) نادرست است؛ ابن سینا، دانشنامهٔ علایی را نوشته است.

ه) نادرست است؛ تا قرن سوم هجری به فعالیت خود ادامه داد.

و) درست است.

## ۵۳ کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ از تحولات مشترک در دوره‌های غزنویان و سلجوقیان، زوال موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان بود.
- ۲ در دوره سلجوقی ربض‌ها بیش از ادوار پیشین گسترش یافتند.
- ۳ اقطاع به انواع مختلف واگذاری زمین به افراد نظامی یا بازرگانان بزرگ گفته می‌شد.
- ۴ مسجد جامع عتیق اصفهان که چهار ایوانی است، در دوره سلجوقی ساخته شد.

## پاسخ

- ۳ اقطاع به انواع مختلف واگذاری زمین به افراد نظامی یا صاحبان مشاغل دیوانی گفته می‌شد.

۵۴ کدام یک از گزینه‌ها، به ترتیب جدول زیر را به درستی تکمیل می‌کند؟

|                              |                      |
|------------------------------|----------------------|
| الف                          | سلطان محمد خوارزمشاه |
| منجی خلافت                   | ب                    |
| ج                            | مسعود غزنوی          |
| شکست دادن آخرین سلطان سلجوقی | د                    |

- ۱) حمله چنگیزخان - طغرل - غلبه بر محمد غزنوی - تکش
- ۲) خلیفه اعلام کردن یکی از سادات حسینی - طغرل - شکست در دندانقان - محمود غزنوی
- ۳) خلیفه اعلام کردن یکی از سادات حسینی - طغرل - غلبه بر محمد غزنوی - محمود غزنوی
- ۴) حمله چنگیزخان - آلب ارسلان - شکست در دندانقان - تکش

پاسخ

- ۱) الف) سلطان محمد خوارزمشاه ← حمله چنگیزخان - خلیفه اعلام کردن یکی از سادات حسینی  
ب) طغرل ← منجی خلافت  
ج) مسعود غزنوی ← شکست در دندانقان - غلبه بر محمد غزنوی (برادرش)  
د) تکش ← شکست دادن آخرین سلطان سلجوقی

فصل

فصل ۳: ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه

واحد یادگیری

درس ۱۰: ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی

زیرواحد یادگیری

تحولات سیاسی

حیطه شناختی

پیشرفته

۵۵ کدام گزینه جاهای خالی را به درستی تکمیل می کند؟

شهرنشینی در دورهٔ هجوم اوّل مغول به ایران ..... اما در عصر تیموریان، هنرمندان و صنعتگران زیادی توسط تیمور به پایتخت یعنی ..... فرستاده شدند تا در آبادانی آن شهر بکوشند و همچنین در حکومت ..... روند بازسازی شتاب بیشتری گرفت.

۱ متوقف شد - بخارا - غازان خان

۲ دچار وقفه شد - سمرقند - غازان خان

۳ دچار رکود شد - سمرقند - الجایتو

۴ رشد کرد - بخارا - الجایتو

پاسخ

۲ شهرنشینی بعد از هجوم اوّل مغولان به ایران دچار وقفه و افول شد تا اینکه با ظهور تیمور، هنرمندان و صنعتگران به سمرقند فرستاده می شدند و در دورهٔ غازان خان، روند بازسازی شهرها شتاب گرفت.

## ۵۶ کدام گزینه درست است؟

- ۱ در دوران اسلامی محاکم مظالم و شرع براساس قوانین دینی و عرفی قضاوت می کردند.
- ۲ مغولان تا پیش از اسلام آوردن، دعاوی حقوقی خود را در دادگاه یاسا حل و فصل می کردند.
- ۳ برخی سنن یاسا در نظام قضایی تا زمان تیموریان نیز ادامه داشت و در امور دعاوی بین مردمی استفاده می شد.
- ۴ تیمور مجموعه قوانینی به نام تزوکات را به وجود آورد.

پاسخ

## ۴ بررسی سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: دادگاه های سه گانه مظالم، شرع و حسبه در ایران وجود داشتند. در دوران اسلامی بنیان قوانین جاری، مبتنی بر دو سرچشمه شریعت اسلام و عرف بود.

گزینه «۲»: یاسا نام مجموعه قوانین چنگیز است و نام دادگاه یرغو است.

گزینه «۳»: سنن باقی مانده یاسا در امور سیاسی و لشکری به کار گرفته می شد.

۵۷ کدام یک از موارد زیر از نتایج مسلمان شدن حاکمان مغول

نیست؟

- ۱ افزایش نفوذ و قدرت ایرانیان
- ۲ اتحاد همه مذاهب و فرق اسلامی
- ۳ ایجاد زمینه برای اصلاحات و بازسازی ایران
- ۴ کاهش احساس بیگانگی مردم با آنها

پاسخ

۲ در نتیجه مسلمان شدن حاکمان مغولی، مردم نسبت به آنها

احساس بیگانگی کمتری داشتند و همچنین نفوذ و قدرت ایرانیان

افزایش یافت و زمینه برای اصلاح و بازسازی ایران فراهم شد.

۵۸ کدام یک از افراد زیر جزو بزرگانی نبودند که در عصر تیموری به ادبیات فارسی توجه جدی داشتند؟

- ۱) شاهرخ
- ۲) سلطان حسین بایقرا
- ۳) امیر علیشیر نوایی
- ۴) خواجه نصیرالملک

۴) شاهرخ، سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی از جمله بزرگانی بودند که به زبان و ادبیات فارسی توجه ویژه داشتند.

فصل

فصل ۳: ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه

واحد یادگیری

درس ۱۲: فرهنگ و هنر در عصر مغول -

تیموری

زیرواحد یادگیری

علم و ادب

حیطه شناختی

مقدماتی

۵۹ کدام یک از موارد زیر در خصوص روابط ایران و اروپا در دوره

صفوی نادرست است؟

الف) تجارت ابریشم در دوره شاه عباس اول، زیر نظر تجار ارمنی انجام می‌شد.

ب) بعد از پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها برای استعمار در جنوب غرب آسیا و خلیج فارس از راه رسیدند.

ج) اروپاییان در عصر صفوی قادر به تحمیل اهداف خود نبودند.

د) تهاجم عثمانی به اروپا یکی از عوامل برقراری روابط اروپا و ایران بود.

۱ فقط الف

۲ ب - ج

۳ د - الف

۴ ب - د

پاسخ

۱ الف) نادرست است؛ تجارت ابریشم توسط تجار ایرانی ارمنی

زیر نظر شاه عباس انجام می‌شد.

۶۰ چند مورد از موارد زیر در خصوص دولت صفویان درست است؟

الف) طریقت صفوی ابتدا به جنبشی سیاسی تبدیل شد و بعد به مذهب تشیع گرایش پیدا کرد.

ب) شاه عباس سپاهی دائمی و حرفه‌ای از جوانان تازه مسلمان گرجی و ارمنی تشکیل داد.

ج) شاه عباس برای پرداخت حقوق و تجهیز سپاه جدید، زمین‌های زیادی را تبدیل به اراضی ممالک کرد.

د) سلطان سلیم شیعیان و مریدان صفوی در آسیای صغیر را قتل عام کرد.

ه) اختلاف دو دولت صفوی و گورکانی بر سر منطقه قندهار بود.

و) شاه عباس دوم، قندهار را به ایران بازگرداند.

۱ ۱

۲ ۲

۳ ۳

۴ ۴

۴ الف) نادرست است؛ بالعکس است.

ب) درست است.

ج) نادرست است؛ زمین‌ها را تبدیل به اراضی خاصه پادشاهی کرد.

د) درست است.

ه) درست است.

و) درست است.

۶۱ کدام گزینه انتقاداتی را که شرکت‌های چندملیتی در زمینه کشاورزی تک‌محصولی معمولاً با آنها روبه‌رو هستند را کامل‌تر نشان می‌دهد؟

الف) بهره‌کشی از نیروی کار محلی با دستمزد پایین

ب) تخریب محیط زیست و خاک

ج) کاهش تنوع کشت

د) افزایش وابستگی کشور میزبان به واردات

۱ الف - ب - ج - د

۲ الف - ب

۳ ج - د - ب

۴ الف - د

پاسخ

۱ همه موارد از انتقادات کشت تک‌محصولی تخصصی (پلاتیشن)

هستند.

۶۲ کدام مورد تفاوت‌های اصلی کشاورزی معیشتی و تجاری نیست؟

- ① هدف اصلی در کشاورزی معیشتی تأمین مصرف خانوار است در حالی که در کشاورزی تجاری هدف کسب سود است.
- ② کشاورزی معیشتی تنها در کشورهای کمتر توسعه یافته انجام می‌شود اما کشاورزی تجاری در کشورهای پیشرفته رواج دارد.
- ③ در کشاورزی تجاری از فناوری پیشرفته استفاده می‌شود در حالی که در کشاورزی معیشتی معمولاً ابزارهای ساده به کار می‌رود.
- ④ کشاورزی تجاری نیازمند سرمایه زیاد است در حالی که کشاورزی معیشتی مبتنی بر نیروی کار خانوادگی است.

پاسخ

- ② کشاورزی تجاری هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای کمتر توسعه یافته صورت می‌گیرد.

۶۳ ویژگی‌های صنایع‌های تک در کدام گزینه به صورت کامل بیان شده است؟

- الف) قرار گرفتن بر محور تحقیقات و فناوری پیشرفته  
ب) تمرکز بر صادرات و ارتباط با بازارهای جهان و فناوری‌های روز دنیا  
ج) نیاز کم به نیروی انسانی متخصص  
د) استقرار عمدتاً در کشورهای در حال توسعه به دلیل هزینه‌های کمتر

۱ الف - ب

۲ ب - ج - د

۳ الف - د

۴ ب - ج - الف - د

پاسخ

- ۱ صنایع‌های تک به نیروی انسانی متخصص نیاز زیادی دارند و در کشورهای پیشرفته مستقر هستند.

۶۴ علت اصلی بحران گرسنگی در جهان امروز چیست؟

- ① کمبود تولید غذا در سطح جهان
- ② تغییرات آب و هوایی و بلایای طبیعی
- ③ فقر و توزیع نابرابر درآمدها
- ④ رشد بی‌رویه جمعیت جهان

پاسخ

③ علت اصلی بحران گرسنگی در جهان، «فقر» است. بی‌عدالتی، یعنی توزیع نابرابر درآمدها، در جهان موجب می‌شود عده‌ای قادر به خرید مواد غذایی نباشند.

۶۵. باتوجه به اطلاعات موجود در کتاب، کدام کشورهای زیر در

زمره کشورهای دارای کشاورزی و صنعت قوی قرار می گیرند؟

۱) برزیل - تایوان - آمریکا - کانادا

۲) آمریکا - روسیه - فرانسه - هند

۳) آمریکا - چین - هند - استرالیا

۴) روسیه - هند - پاکستان - لهستان

۲

- برزیل و آرژانتین فقط در دامداری قوی هستند.

- تایوان و سنگاپور و مالزی و کره جنوبی فقط در صنعت قوی

هستند.

- پاکستان و فیلیپین در تولید برنج قوی هستند.

- استرالیا در کشاورزی و دامداری قوی است.

- لهستان فقط در صنعت قوی است.

## ۶۶ کدام گزینه دربارهٔ مدل مرکز، پیرامون نادرست است؟

- ۱) کشورهای مرکز با جذب مغزهای متفکر از کشورهای پیرامون و سرمایه‌گذاری در نواحی دیگر، سود و ثروت جهانی را به سمت خود می‌کشند و از نیروی کار ارزان در کشورهای پیرامون بهره می‌برند که این امر وابستگی اقتصادی آنها را افزایش می‌دهد.
- ۲) کشورهای پیرامون عمدتاً تولیدکننده و صادرکنندهٔ مواد اولیه و خام‌اند. از نظر توسعهٔ صنعتی و فناوری‌های نوین در سطح پایین‌تری قرار دارند و اغلب بازار خوبی برای کالاهای صنعتی کشورهای مرکز فراهم می‌کنند که این سود هنگفتی برای مرکز به همراه دارد.
- ۳) کشورهای نیمه‌پیرامون مانند سنگاپور با تحولات صنعتی و فناورانه بین مرکز و پیرامون قرار گرفته‌اند و می‌توانند جایگاه خود را ارتقا دهند اما همیشه وابستگی کامل به مرکز را حفظ می‌کنند و نمی‌توانند به سطح مرکز برسند.
- ۴) مدل مرکز، پیرامون نتیجهٔ فرایند تاریخی استعمار و روابط نابرابر است، جایی که مرکز مواد خام را ارزان از کشورهای پیرامون وارد می‌کند و کالا را با سود بیشتر به آنها صادر می‌کند.

پاسخ

- ۳) جایگاه کشورها ثابت نیست و می‌توانند به سمت کشورهای مرکز حرکت کنند.

۶۷ چند مورد از موارد زیر نادرست است؟

- الف) هلند، سال‌ها کشور اندونزی را در سیطره خود داشت.  
 ب) مرحله صدور سرمایه توسط کشورهای سرمایه‌دار و در رأس آنها آمریکا صورت گرفت.  
 ج) در اثر حضور شرکت‌های چندملیتی، وابستگی کشورها به مرکز بیشتر می‌شود.  
 د) شبکه راه‌های به هم پیوسته جاده ابریشم تا قرن ۱۵ میلادی شکل گرفته بود.  
 ه) بلژیک سال‌ها کشور الجزایر را اشغال کرده بود.

۱ ۱

۲ ۲

۳ ۳

۴ ۴

۱ ه) بلژیک کشور کنگو را غارت و چپاول کرده بود.

۶۸ کدام مورد جزو اقداماتی که کشورها برای رونق و توسعه

اقتصادی خود انجام می‌دهند نمی‌باشد؟

- ① وضع تعرفه‌های گمرکی
- ② عضویت در اتحادیه‌های جهانی
- ③ ایجاد مناطق آزاد تجاری
- ④ ممنوعیت واردات برخی کالاها

پاسخ

② عضویت در اتحادیه‌های منطقه جزو اقدامات کشورها برای رونق

اقتصادی است نه اتحادیه‌های جهانی.

۶۹ تفاوت هنگ کنگ با منطقه آزاد انزلی در کدام گزینه آمده است؟

- ① هنگ کنگ مرز ندارد اما مناطق آزاد مرزهای ملی دارند.
- ② هنگ کنگ استقلال محدود در امور داخلی دارد اما در دفاع تابع چین است در حالی که مناطق آزاد قوانین گمرکی را تعدیل می کنند بدون استقلال سیاسی.
- ③ هر دو ناحیه فراملی هستند و ویزا در آنها لغو می شود.
- ④ مرزهای هنگ کنگ مانند اتحادیه اروپا است.

پاسخ

- ② مناطق خودمختار در امور داخلی استقلال دارند اما در دفاع و سیاست خارجی تابع کشور اصلی هستند اما مناطق آزاد صرفاً در قوانین اقتصادی با کشور اصلی تفاوت دارند.

۷۰. کدام مورد دربارهٔ انواع نواحی سیاسی نادرست است؟

- ۱ در اتحادیهٔ اروپا، کشورها مستقل‌اند اما از نظام مدیریت مشترکی تبعیت می‌کنند.
- ۲ در اتحادیهٔ اروپا، کشورها نظام مدیریت مختص به خود را دارند و استقلال خود را نیز حفظ می‌کنند.
- ۳ در اتحادیهٔ اروپا، اخذ ویزا بین کشورها نادیده گرفته می‌شود.
- ۴ در کشورهای اتحادیهٔ اروپا، از سیاست پولی واحد تبعیت می‌شود.

پاسخ

- ۲ اتحادیهٔ اروپا قلمرو چندین کشور را پوشش می‌دهد و نظام مدیریت مشترک بر سیاست‌های مختلف اعمال می‌شود اما کشورها استقلال خود را دارند.

۷۱. در کدام گزینه، همه موارد از پیامدهای لیبرالیسم اولیه است؟

- ۱ کارگران را به بردگانی تبدیل کرد که در ظاهر از همه قید و بندهای پیشین رها شده بودند. - کشاورزان وابسته به زمین بودند و امکان جابه‌جایی نداشتند. - روابط اجتماعی ارباب، رعیتی را حاکم کرد.
- ۲ کشاورزان را به کارگرانی تبدیل کرد که سرمایه وجود خود را به سرمایه‌داران می‌فروختند. - موانعی برای صاحبان ثروت قرار داد. - کشاورزان را به بردگانی تبدیل کرد که نمی‌توانستند درباره شیوه زندگی خود تصمیم بگیرند.
- ۳ کشاورزان را از بردگی رها کرد. - به کشاورزان اجازه داد که مهاجرت کنند و درباره شیوه زندگی خود تصمیم بگیرند. - به حمایت و دستگیری از فقرا و کارگران قائل بود.
- ۴ موانعی مانند غیرقابل فروش بودن زمین را از پیش پای صاحبان ثروت برداشت. - سرمایه‌داران، آزادانه به بهره‌کشی از کارگران پرداختند. - روابط اجتماعی ارباب، رعیتی را درهم ریخت.

پاسخ

- ۴ لیبرالیسم اولیه بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت، به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود (رد گزینه «۳») و پیامدهای زیر را به دنبال داشت:
- روابط اجتماعی ارباب - رعیتی را درهم ریخت. کشاورزان را از بردگی رها کرد، به آن‌ها اجازه داد که مهاجرت کنند و درباره شیوه زندگی خود تصمیم بگیرند. (رد گزینه «۱») موانع پیشین مانند غیرقابل فروش بودن زمین را از پیش پای صاحبان ثروت برداشت (رد گزینه «۲») و کشاورزان را به کارگرانی تبدیل کرد که سرمایه وجود خود را به صاحبان ثروت و صنعت (سرمایه‌داران) می‌فروختند. سرمایه‌داران، آزادانه به بهره‌کشی از کارگران پرداختند. کارگران، بردگان جدیدی بودند که ظاهراً از همه قید و بندهای پیشین، رها شده بودند.

۷۲. کدام گزینه به ترتیب به نظر «اگوست کنت» و «هانتینگتون» درباره جنگ اشاره دارد؟

- ۱) بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد و دیگر امری ذاتی نیست. - نظریه جنگ تمدن‌ها را مطرح کرد که عملیات نظامی قدرت‌های غیرغربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غربی را توجیه می‌کرد.
- ۲) وقوع دو جنگ جهانی را در نیمه اول قرن بیستم پیش‌بینی کرد. - با نظریه جنگ تمدن‌ها، جنگ را از کشورهای غربی به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرد که در دوران استعمار، تحت سلطه جهان غرب قرار گرفته بودند.
- ۳) جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری عارضی و تحمیلی است. - در آخرین مرحله از درگیری‌ها در جهان معاصر، دیگر دولت، ملت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌المللی نیستند.
- ۴) با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. - در جهان معاصر، رقابت‌ها و درگیری‌ها بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ و دولت، ملت‌ها به وقوع خواهد پیوست.

پاسخ

۳) بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه «۱»: درست است. - نادرست است: نظریه جنگ تمدن‌ها، عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی را توجیه می‌کرد.
- گزینه «۲»: نادرست است؛ وقوع دو جنگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، خطا بودن نظریه او را نشان داد. - درست است.
- گزینه «۴»: درست است. - نادرست است: در جهان معاصر، رقابت‌ها و درگیری‌ها بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ (نه بین دولت - ملت‌ها) به وقوع خواهد پیوست.

نکته

در نظریه جنگ تمدن‌ها، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای  
غرب است.

۷۳. هر یک از عبارت‌های زیر، به ترتیب در کدام قسمت از جدول قرار می‌گیرند؟

- مشکل کشورهای فقیر، بیشتر خودباختگی فرهنگی آنهاست.
- عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد.
- کشورهای خارج از دو بلوک و تحت نفوذ آنها
- حل چالش‌های جوامع غربی از طریق بهره‌کشی از جوامع غیر غربی
- کشورهایی که در کانون بلوک شرق بودند.

| استعمارگر و استعمارزده | شمال و جنوب | جهان دوم | مرکز و پیرامون | جهان سوم |
|------------------------|-------------|----------|----------------|----------|
| «الف»                  | «ب»         | «ج»      | «د»            | «ه»      |

۱ الف - ب - ه - د - ج

۲ د - الف - ج - ب - ه

۳ الف - ج - ب - د - ه

۴ ب - د - الف - ه - ج

پاسخ

۱

- مشکل کشورهای فقیر، بیشتر خودباختگی فرهنگی آنهاست. ← استعمارگر و استعمارزده (الف)
- عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد. ← شمال و جنوب (ب)
- کشورهای خارج از دو بلوک و تحت نفوذ آنها ← جهان سوم (ه)
- حل چالش‌های جوامع غربی از طریق بهره‌کشی از جوامع غیر غربی ← مرکز و پیرامون (د)
- کشورهایی که در کانون بلوک شرق بودند. ← جهان دوم (ج)

میدانید

تقابل شمال و جنوب، تقابلی جهانی است و در صورتی که فعال شود، بسیاری از چالش‌های درونی کشورهای غربی، دیگر بار فعال خواهند شد.

۷۴. به ترتیب «اولین مراکزی که با آلودگی‌های زیست‌محیطی مواجه شدند»، «عامل وارد شدن زیان‌های جبران‌ناپذیر به انسان و طبیعت»، و «مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم از منظر برخی از متفکران» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) جوامع غیرغربی - نگاه انسان مدرن به طبیعت - استعمار سمّی
- ۲) شهرهای صنعتی - گسترش سریع صنعت و فناوری‌های مدرن - بحران‌های زیست‌محیطی
- ۳) کشورهای صنعتی غربی - کودکان پنداشتن نگاه دینی و معنوی به طبیعت در جهان مدرن - بحران‌های اقتصادی
- ۴) جزیره هندرسون - گسترش شهرهای صنعتی و بحران‌های زیست‌محیطی - نژادپرستی زیست‌محیطی

پاسخ

۲

- «شهرهای صنعتی»، اولین مراکزی بودند که با آلودگی‌های زیست‌محیطی مواجه شدند.

- «گسترش سریع صنعت و فناوری‌های مدرن»، با وجود اینکه توانمندی و آسایش بیشتری برای بشر فراهم آورده، زیان‌های جبران‌ناپذیری به او و طبیعت، وارد کرده است.

- از منظر برخی از متفکران، مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم، «بحران‌های زیست‌محیطی» است.

## ۷۵. کدام گزینه از نظر توالی وقوع رویدادها، نادرست است؟

- ۱) روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، در نیمهٔ اول قرن بیستم ← دست برداشتن علم از داوری‌های ارزشی ← محدود شدن علم به امور طبیعی ← زیر سؤال رفتن علم مدرن در نیمهٔ دوم قرن بیستم
- ۲) کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا به عنوان معتبرترین راه شناخت انسان در قرون وسطی ← به کار گرفتن شناخت از راه عقل و وحی ← تردید در روش معرفتی دوران رنسانس ← بحران معرفتی جدید غرب
- ۳) بحران معرفتی غرب در دوران رنسانس ← کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت علمی برای برون‌رفت از این بحران ← بسنده کردن به شناخت از راه عقل و تجربه ← دوام نیاوردن شناخت عقلی جدید بیش از دو سده ← روی آوردن به حس و تجربه به عنوان تنها راه شناخت علمی در قرن‌های نوزدهم و بیستم
- ۴) روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است در نیمهٔ دوم قرن بیستم ← زیر سؤال رفتن علم مدرن ← آشکار شدن اینکه علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست ← تردید دربارهٔ مبانی علوم تجربی غربی ← ظهور بحران معرفتی - علمی

## پاسخ

۲) روند تمام گزینه‌ها به درستی آمده است به‌جز گزینهٔ «۲»

در قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و شناخت از طریق عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد.

در دوران رنسانس، این روش معرفتی مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید. جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از طریق عقل و تجربه بسنده کرد.

## نکته

بحران معرفتی جدید غرب در قرن بیستم و آشکار شدن محدودیت‌های علمی دانش تجربی رخ داد.

۷۶. به ترتیب علت، پیامد و معنا و مفهوم هر یک از عبارت‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

الف) تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان

ب) انکار حقایق قدسی در فرهنگ غرب

ج) پساکسکولاریسم

۱) نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی - نرسیدن فرهنگ

غرب به آرمان‌های انقلاب فرانسه - بازگشت نگاه معنوی و دینی، به

سطوح مختلف زندگی انسان در پایان قرن بیستم

۲) دینی باقی ماندن فرهنگ عمومی جوامع غربی در محدوده زندگی

شخصی و خصوصی افراد - اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن

بیستم - گریز و رویگردانی از سکولاریسم در پایان قرن بیستم

۳) اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم - پوچ‌گرایی، یأس،

ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها - بحران معنویت غرب در قرن

بیستم

۴) نیازهای جسمانی، دنیوی و معنوی و فطری انسان - گریز و

رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی - تردید در اصل

روشنگری مدرن که نشانه بحران معنویت در غرب است.

پاسخ

۱ الف) علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان ←

نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی

ب) پیامد انکار حقایق قدسی در فرهنگ غرب ← نرسیدن به

آرمان‌های انقلاب فرانسه

ج) معنا و مفهوم پساکسکولاریسم (افول سکولاریسم) ← بازگشت نگاه

دینی و معنوی، به سطوح مختلف زندگی انسان در پایان قرن بیستم

که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است.

نکته

یک فرهنگ، علاوه بر نیازهای جسمانی و دنیوی انسان، باید به

نیازهای معنوی و قدسی او نیز پاسخ دهد. همان‌گونه که بی‌توجهی به

ابعاد دنیوی، به بحران منجر می‌شود، غفلت از ابعاد معنوی شکل دیگری از بحران را به دنبال می‌آورد.

۷. هر یک از موارد زیر، به ترتیب با عبارت‌های کدام گزینه در ارتباط است؟

• وضعیت جهان اسلام، هنگامی که با غرب متجدد روبه‌رو شده بود.

• عامل ضعف جوامع اسلامی از نظر نخستین بیدارگران

• نمونه‌ای از حرکت‌های نخستین بیدارگران اسلامی در ایران

۱ دولتمردان کشورهای اسلامی مرعوب و شیفته فرهنگ غرب شده بودند و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد. - شناخت عمیق نداشتن از فرهنگ غرب - چاپ و توزیع نشریه العروة الوثقی

۲ قدرت‌های سیاسی جهان اسلام با عبور از ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند. - دوری از سنت‌های دینی و اسلامی - حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو

۳ عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با قدرت‌های سیاسی تعامل می‌کردند. - دوری مسلمانان از عمل به اسلام - تدوین رساله‌های جهادیه

۴ فقاقت و عدالت، دو عنصر برتر در فرهنگ اسلامی بودند. - وابستگی سیاسی و اقتصادی آن‌ها به غرب - اقدامات سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او

پاسخ

۳

• غرب متجدد، زمانی با جهان اسلام روبه‌رو شد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، با وجود رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با آن‌ها تعامل می‌کردند.

• برخی از نخستین بیدارگران اسلامی، دوری مسلمانان از عمل به اسلام را عامل ضعف جوامع اسلامی می‌دانستند و گمان می‌کردند دلیل قدرتمندی جوامع غربی این است که عملکرد آن‌ها اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز می‌باشد.

• حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیه تزاری و تدوین رساله‌های جهادیه، اصلاحات امیرکبیر و حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نمونه‌هایی از حرکت‌های نخستین بیدارگران اسلامی در ایران است.



اقدامات سیدجمال‌الدین اسدآبادی و همکاری محمد عبده با او در نشریه العروة الوثقی، نمونه‌ای از فعالیت نخستین بیدارگران اسلامی در جهان اسلام (نه ایران) است.

۷۸. هر یک از عبارات زیر به ترتیب به کدام جریان اجتماعی در

جهان اسلام اشاره دارد؟

- بیشتر در لژهای فراماسونری سازمان می‌یافتند.
  - برخی از آنان آشکارا اندیشه‌های غیرتوحیدی را مطرح می‌کردند.
  - به عملکرد نسل اوّل روشنفکران معترض بودند.
  - بیداری را در بازگشت به اسلام می‌دانستند.
- ۱) نخستین بیدارگران اسلامی - نسل دوم روشنفکران غرب‌گرا - روشنفکران التقاطی چپ - نسل اوّل منورالفکران
  - ۲) روشنفکران چپ کشورهای اسلامی - نخستین بیدارگران اسلامی - نسل دوم منورالفکران - روشنفکران التقاطی
  - ۳) نسل اوّل روشنفکران غرب‌گرا - روشنفکران التقاطی چپ - نخستین بیدارگران اسلامی - نسل دوم روشنفکران
  - ۴) منورالفکران غرب‌گرا - روشنفکران چپ - نسل دوم روشنفکران غرب‌گرا - نخستین بیدارگران اسلامی

پاسخ

۴

- بیشتر در لژهای فراماسونری سازمان می‌یافتند. ← منورالفکران غرب‌گرا
- برخی از آنان آشکارا اندیشه‌های غیرتوحیدی را مطرح می‌کردند. ← روشنفکران چپ کشورهای اسلامی
- به عملکرد نسل اوّل روشنفکران معترض بودند. ← نسل دوم روشنفکران (روشنفکران چپ)
- بیداری را در بازگشت به اسلام می‌دانستند. ← نخستین بیدارگران اسلامی

۷۹. پاسخ سوالات زیر به ترتیب در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- منورالفکران غرب‌گرا، بیداری را در چه چیزی می‌دانستند.
- قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان، ریشه در چه چیزی نداشت؟
- اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول از چه نوع اعتراضاتی بود؟

- ۱) بازگشت به اسلام - استبدادهای قومی و قبیله‌ای این کشورها - از نوع اعتراض به گریز آنها از اسلام‌ستیزی آنها بود.
- ۲) گذر از فرهنگ اسلامی - اعتقادات و پیشینه تاریخی این کشورها - از نوع اعتراضاتی بود که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل می‌گرفت.
- ۳) تقلید از رفتار فرنگیان - قدرت جهانی استعمار - از نوع اعتراضاتی بود که جریان‌های سرمایه‌داری و لیبرالیستی به جریان‌های اقتصادی مارکسیسم و سوسیالیسم داشتند.
- ۴) پیوستن به فرهنگ غربی - استبداد استعماری و حکومت‌های سکولار - از نوع اعتراضات به اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی بود.

پاسخ

۲

- منورالفکران غرب‌گرا، بیداری را در گذر از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی می‌دانستند. (رد گزینه ۱)
- قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان، ریشه در «اعتقادات و پیشینه تاریخی این کشورها» نداشت. (رد گزینه‌های ۱، ۳ و ۴)
- اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول، به دلیل گریز آنان از اسلام یا اسلام‌ستیزی آنان نبود، بلکه از نوع اعتراضاتی بود که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل می‌گرفت.

۸۰ به ترتیب «وجه اشتراک بیدارگران و منورالفکران غرب‌گرا»، «رهاورد حکومت منورالفکران غرب‌گرا در کشورهای اسلامی» و «تأثیر فروپاشی بلوک شرق بر جریان روشنفکری چپ» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر می‌کردند. - وابستگی به کشورهای استعمارگر - تأثیرگذاری جریان چپ حتی در کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب قرار داشتند.
- ۲) خود را بیدارگر می‌دانستند. - حکومت‌های سکولار - تداوم جاذبه روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی
- ۳) خواستار اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند. - استبداد استعماری - از بین رفتن جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهان و در کشورهای اسلامی
- ۴) مفهوم امت و ملت اسلامی برای آن‌ها بی‌معنا بود. - عمل کردن مطابق منافع کشورهای استعمارگر - بازگشت غرب‌گرایان کشورهای اسلامی به اندیشه‌های لیبرالیستی غربی

پاسخ

۳

- وجه اشتراک بیدارگران و منورالفکران غرب‌گرا ← هر دو خود را بیدارگر می‌دانستند و خواستار اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند.
- رهاورد حکومت منورالفکران غرب‌گرا ← استبداد استعماری (حکومت‌های سکولار نیز درست است).
- تأثیر فروپاشی بلوک شرق بر جریان روشنفکری چپ ← از بین رفتن جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهان و کشورهای اسلامی و بازگشت غرب‌گرایان کشورهای اسلامی به اندیشه‌های لیبرالیستی غربی

## ۸۱. کدام گزینه ارتباطی با قواعد عقلی شناخت تجربی ندارد؟

- ۱) کشاورزان بذر گیاهان را کاشته و با فراهم کردن شرایط لازم، انتظار رشد گیاهان را دارند.
- ۲) دانشمندان اقتصاد، با بررسی شاخصه‌های تورم، به دنبال یافتن علت‌های این پدیده هستند.
- ۳) شیمی‌دانان با آزمایشات متعدد روی عناصر، خواص و ویژگی‌های مواد را در مقاله‌های خود نشر می‌دهند.
- ۴) بهره‌گیری‌های مختلف در محیط پیرامون را بر اساس شناخت تفاوت‌ها و تمایزهای میان اشیا انجام می‌دهیم.

پاسخ

۴

میدانید

شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم استوار است، برخی از این قواعد عبارتند از: ۱- پدیده‌ها خودبه‌خود پدید نمی‌آیند، بلکه هر پدیده‌ای نیازمند علت است. ۲- هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی‌آید. ۳- طبیعت، همواره یکسان عمل می‌کند.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این رفتار کشاورزان به معنای قبول داشتن اصل علیت یا اینکه هر پدیده‌ای علتی دارد و به خودی خود اتفاق نمی‌افتد، است.

گزینه «۲»: این رفتار اقتصاددانان یعنی این پدیده، علتی مشخص دارد که به دنبال آنها می‌گردند.

گزینه «۳»: نشر این دستاوردها به معنای این است که دانشمندان قبول دارند طبیعت همواره یکسان عمل می‌کند.

گزینه «۴»: شناخت تفاوت و تمایز میان اشیای پیرامون ما، به وسیله تجربه و حس است.

## ۸۲ کدام گزینه درست است؟

- ۱ در بین شناخت‌های عقلی تنها دانش‌های عقل محض مثل ریاضیات از خطا مصون هستند؛ چون نیازی به یافته‌های تجربی ندارند.
- ۲ یافته‌های عقلی با بهره‌مندی از یافته‌های تجربی و با همکاری هم، پایه و اساس دیگر علوم و مبانی زندگی انسانی را فراهم می‌کنند.
- ۳ عدم بهره‌گیری درست از قواعد منطقی ممکن است باعث بروز خطا در هر دانشی از جمله دانش‌های عقلی محض گردد.
- ۴ در دانستنی‌های فلسفی معمولاً با استفاده از یافته‌ها و داده‌های تجربی، به استدلال‌های عقلی محض می‌پردازیم.

## پاسخ

- ۳ منطق یکی از ابزارهای کاربردی در فلسفه است. اگر دچار مغالطه شویم و استدلال‌ها را به درستی به کار نبریم دانش عقلی دچار اشکال و اشتباه می‌شود.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: خطا فقط در بدیهیات راه ندارد. ابزارهای شناختی انسان مصون از خطا نیستند. حتی یافته‌های عقلی محض نیز ممکن است خطا داشته باشند و از این خطاها با به‌کارگیری قواعد منطقی می‌توان جلوگیری کرد.
- گزینه «۲»: پایه و اساس دیگر علوم، همان فلسفه‌های مضاف هستند، و فلسفه از علومی است که در قلمرو شناختی عقل محض است نه یافته‌های تجربی یا همکاری حس و عقل.
- گزینه «۴»: دانستنی‌های فلسفی تنها از طریق قواعد عقلی به دست می‌آیند و داده‌ها و یافته‌های تجربی در یافته‌های فلسفی کاربردی ندارند.

## ۸۳ کدام گزینه در مورد معرفت و حیانی نادرست است؟

- ۱) نوعی معرفت است که به وسیله عقل و با تدبر و تأمل در قرآن که به میزان توانمندی ما وابسته است، به دست می‌آید.
- ۲) دریافت‌کننده شهود و حیانی هرکسی می‌تواند باشد، با این تفاوت که آنچه پیامبر درک می‌کند کلمات و عبارات خدا است.
- ۳) وابسته به شهود و حیانی است که خدا بر قلب پیامبر نازل می‌کند و هیچ‌گونه دخل و تصرفی از جانب او در آن صورت نمی‌گیرد.
- ۴) شهود و حیانی نوعی شهود قلبی و ویژه پیامبران است و آنها این دریافت را در اختیار دیگران قرار می‌دهند تا آنها نیز به اندازه توان از آن بهره ببرند.

## پاسخ

- ۲) دریافت شهود و حیانی تنها مختص پیامبران است و کسی جز آنها وحی را شهود نمی‌کند.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: باید توجه داشت که معرفت و حیانی با شهود و حیانی متفاوت است، می‌تواند منظور از معرفت و حیانی همان تدبر و تفکر انسان‌ها در پیام الهی باشد که به وسیله عقل صورت می‌گیرد و نوعی معرفت عقلی است؛ پس گزینه «۱» درست است.
- گزینه‌های «۳» و «۴»: شهود و حیانی بر قلب پیامبر نازل می‌شود و او بدون دخل و تصرفی آن را به دیگران منتقل می‌کند و براساس آن معرفت و حیانی شکل می‌گیرد؛ پس این دو گزینه درست هستند.

## ۸۴ کدام گزینه در مورد فیلسوفان پیش‌سقراطی نادرست است؟

- ۱) بیشتر این فیلسوفان به اعتبار ابزار حس و عقل قائل بودند ولی بیشتر به ارزش حس و تجربه توجه داشتند.
- ۲) هراکلیتوس، اعتبار حس و عقل را پذیرفته بود ولی ارزش ابزار عقل را بیشتر از ابزار حس می‌دانست.
- ۳) این فیلسوفان به مباحث معرفت‌شناسی و میزان انطباق شناخت با واقعیت به طور مستقل پرداختند.
- ۴) پارمنیدس، اعتبار ابزار حس را نپذیرفت و تنها ابزار معتبر در معرفت‌شناسی را عقل می‌دانست.

پاسخ

۳

میدانید

بیشتر این دانشمندان به شناخت حسی اهمیت می‌دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند. گرچه متفکری مانند هراکلیتوس، علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می‌داد. او معتقد بود که شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس درمی‌یابیم و درک می‌کنیم. اما متفکری به نام «پارمنیدس» معتقد بود که شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، اعتبار ندارد و نمی‌توان بدان تکیه کرد.

بنابراین در بین پیش‌سقراطیان سه گروه داریم؛ یکی اکثریت آنها که حس و عقل را معتبر می‌دانند ولی اعتبار حس را بیشتر قبول دارند؛ دوم هراکلیتوس، که حس و عقل را معتبر می‌داند ولی اهمیت عقل را بیشتر می‌داند؛ سوم پارمنیدس، که فقط عقل را معتبر می‌داند.

۸۵ کدام گزینه در مورد دیدگاه معرفت‌شناسانه ابن‌سینا و سهروردی درست است؟

- ۱ سهروردی برخلاف ابن‌سینا برای معرفت وحیانی جایگاه و اعتبار خاصی قائل بود.
- ۲ این دو فیلسوف هر دو به معرفت شهودی توجه داشتند و از آن در تبیین‌های فلسفی خود بهره می‌بردند.
- ۳ سهروردی برخلاف ابن‌سینا بر معرفت شهودی نیز تأکید بسیاری کرد و تبیین استدلالی برای همه آنها بیان می‌کرد.
- ۴ ابن‌سینا هر چند به عرفان توجه دقیق داشته اما بر خلاف سهروردی در مورد ارتباط آن با استدلال‌های فلسفی سخن نگفته است.

پاسخ

۴

میدانید

ابن‌سینا و فارابی برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه‌های شناخت می‌دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. این دو فیلسوف نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند. ابن‌سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به‌طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید. بنابراین ابن‌سینا معرفت شهودی را قبول دارد ولی آن را در نظام فلسفی خود وارد نمی‌کند، بر خلاف سهروردی که علاوه بر فلسفه، در عرفان نیز شخصیتی مهم به‌شمار می‌رود. سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به‌صورت الهامات شهودی به‌دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و درنهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

## ۸۶ کدام ویژگی در مورد دوره جدید اروپا درست نیست؟

- ۱ از قرن شانزدهم آغاز و تاکنون ادامه دارد.
- ۲ خروج تدریجی اروپا از حاکمیت کلیسا
- ۳ تحولات در علوم مختلف از جمله معرفت‌شناسی
- ۴ گسترش علوم عقلی در حوزه‌های مختلف

پاسخ

۴ مقصود از دوره جدید، دوره‌ای است که از قرن شانزدهم آغاز می‌گردد و تاکنون ادامه دارد. در این دوره اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می‌شود، علوم تجربی گسترش می‌یابد و در حوزه‌های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می‌دهد که محل بحث در کتاب فلسفه یازدهم نیست. آنچه مورد توجه است، تحولاتی است که در این دوره در بخش «معرفت‌شناسی» فلسفه اتفاق افتاده است.

۸۷ کدام گزینه وجه تمایز پوزیتیویست‌ها با تجربه‌گرایان پیش از خود را بهتر بیان می‌کند؟

- ۱ آنها تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می‌دانستند.
- ۲ موضوعاتی مثل خدا که تجربه در آن راهی ندارد را نمی‌توان پذیرفت و باید رد کرد.
- ۳ برخلاف گذشتگان خود به کلی شناخت عقلی محض را کنار گذاشتند.
- ۴ مفاهیمی را که نمی‌توان به صورت تجربی بررسی و ارزیابی کرد، بی‌معنا هستند.

پاسخ

۴

میدانید

پوزیتیویست‌ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می‌دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره‌ها که تجربه‌پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی‌توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی‌معنا هستند. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه دربارهٔ نفی یا اثبات آنها نمی‌تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

تجربه‌گرایان پیش از آنها (به جز هیوم) عقل را نیز دارای اعتبار می‌دانستند، اما نه به تنهایی، بلکه با استفاده از داده‌های تجربی. هیوم به کلی شناخت عقلی را با رد علّیت کنار گذاشت، بنابراین وجه تمایز بهتر پوزیتیویست‌ها با گذشتگان در بی‌معنا دانستن گزاره‌های غیرتجربی است.

## ۸ کدام گزینه در مورد پراگماتیست‌ها نادرست است؟

- ۱ تنها راه شناخت، حس و تجربه است و فقط از این راه می‌توان به واقعیت رسید.
- ۲ این جریان به جریان اصالت عمل نیز شهرت دارد؛ زیرا ملاک آن باورهای سودمند است.
- ۳ هدف ما نباید کشف واقعیت باشد بلکه باورهایی که سودمندی هستند را باید دنبال کنیم.
- ۴ وقتی در عمل باور به چیزی برای ما سودبخش است، آن را می‌پذیریم و کاری با واقعیت نداریم.

پاسخ

۱

میدانید

پراگماتیست‌ها معتقدند گرچه تنها ابزار شناخت اشیا، حس و تجربه است اما از طریق تجربه نمی‌توان به واقعیت اشیا رسید (نادرست بودن گزینه «۱»؛ بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم) درست بودن گزینه «۳»، بلکه ما نیازمند باورهایی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند (درست بودن گزینه «۲»؛ مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش، بسیار داغ است و دست را می‌سوزاند، به آبجوش دست نمی‌زند و دچار سوختگی نمی‌شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است. (درست بودن گزینه «۴»)

## ۸۹ کدام ویژگی نفس در دیدگاه افلاطون بیان نشده است؟

- ۱ بدون فعلیت در هنگام تولد
- ۲ قابل رؤیت نبودن
- ۳ دارای عقل و خرد
- ۴ غیرفانی و جاوید

پاسخ

۱ افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت‌های بدن را ندارد. این حقیقت برتر همان نفس است که قابل رؤیت نیست. از نظر افلاطون، نفس با ارزش‌ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد. او می‌گوید: «تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است.» او همچنین می‌گوید: «نفس، جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می‌کند و غیر فانی و جاوید است.» ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. بدن بدون نفس، یک موجود مرده است. از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد؛ بنابراین گزینه «۱» دیدگاه اختصاصی ارسطو است.

۹۰. کدام گزینه در مورد دیدگاه افلاطون در مورد نفس نادرست است؟

- ۱) انسان علاوه بر بدن، دارای حقیقتی به نام نفس است که هیچ محدودیتی ندارد.
- ۲) انسان دو بُعد جسمانی و نفسانی دارد که نفس او دارای ارزش بالاتری است.
- ۳) وظیفه اصلی هر انسان توجه و مراقبت از نفس است تا به فضایل آراسته گردد.
- ۴) تنها موجودی است که دارای قوه عقل و خرد است و باعث تمایز انسان از حیوان می‌شود.

پاسخ

۱

میدانید

افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت‌های بدن را ندارد. بنابراین نظر افلاطون این نیست که نفس هیچ محدودیتی ندارد بلکه محدودیت‌های بدن را ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۲» و «۳»: این حقیقت برتر همان نفس است که قابل رؤیت نیست. از نظر افلاطون، نفس باارزش‌ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

گزینه «۴»: او می‌گوید: «تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است.» او همچنین می‌گوید: «نفس، جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می‌کند و غیرفانی و جاوید است.»

۹۱. کدام گزینه دربارهٔ انسان‌شناسی ارسطو نادرست است؟

- ۱) انسان دارای ویژگی‌هایی مشترک با حیوانات است پس می‌توان گفت انسان نوعی حیوان است.
- ۲) بدن ابزاری است که نفس از آن برای عملی کردن افکار و اراده‌هایش کمک می‌گیرد.
- ۳) انسان موجودی است که هم بُعد مادی دارد و هم بُعد غیر جسمانی و مجرد.
- ۴) ویژگی که انسان را از بقیه حیوانات جدا می‌کند، جاننداری و اراده اوست.

پاسخ

- ۴) ویژگی متمایزکننده انسان از سایر حیوانات، قوهٔ نطق و روح اوست نه اراده و حیات او؛ زیرا حیوانات هم اراده و حیات دارند.

۹۲. کدام گزینه تفاوت عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان دوره جدید اروپا

را در مورد حقیقت انسان، نادرست بیان کرده است؟

- ۱) جریان عقل‌گرایی مانند ارسطو و افلاطون، انسان را دارای دو بُعد جسمانی و روحانی می‌دانند.
- ۲) عقل‌گرایان حقیقت انسان را همان روح و نفس می‌دانند و ارزش بدن را پایین‌تر از نفس در نظر می‌گیرند.
- ۳) تجربه‌گرایان اساساً منکر نفس هستند و انسان را دارای دو بُعد نمی‌دانند و صرفاً او را موجودی مادی می‌پندارند.
- ۴) تجربه‌گرایان انسان را دو بُعدی می‌دانند، با این تفاوت که نفس از لوازم و آثار بدن است و موجودی فرعی از اوست.

پاسخ

۴

میدانید

یک جریان، جریان عقل‌گرایی است که همانند افلاطون و ارسطو، همچنان معتقد به وجود «نفس» یا «روح» هستند و برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل‌اند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می‌دانند. جریان دیگر، به این سو تمایل دارند که یا اصولاً وجود «نفس» را انکار کنند و انسان را یک موجود مادی بدانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار آورند.

بنابراین تجربه‌گرایان انسان را دو بُعدی نمی‌دانند. اینکه نفس از لوازم بدن است منظور همان دستگاه عصبی یا مغزی انسان است.

۹۳. کدام فیلسوف قطعاً حقیقت انسان را نفس نمی‌داند؟

① توماس هابز

② دکارت

③ کانت

④ افلاطون

پاسخ

① از آنجا که توماس هابز فیلسوف ماتریالیست است، قطعاً نفس را حقیقت انسان نمی‌داند. دیگر فیلسوفان عقل‌گرا هستند و به بعد نفسانی انسان معتقد هستند.

## ۹۴. کدام گزینه در مورد استدلال کانت و دکارت در مورد اختیار

## انسان درست است؟

- ۱) دکارت با استفاده از ویژگی غیرمادیِ اندیشیدن، وجود نفس را ثابت کرده که ویژگی بدن مادی را ندارد و آزاد از قوانین فیزیکی است.
- ۲) کانت از روی وجدان اخلاقی، وجود نفس مجرد را و پس از آن وجود اختیار برای انسان را ثابت کرده است که آن را ویژگی نفس می‌داند.
- ۳) دکارت اختیار انسان را پیش‌فرض استدلال اثبات غیرمادی بودن نفس انسان در نظر می‌گیرد و سپس به دارای اندیشه بودن آن اشاره می‌کند.
- ۴) کانت نفس مجرد را پیش‌فرض استدلال اخلاقی بودن انسان در نظر می‌گیرد و نشان می‌دهد فقط با قبول اختیار می‌توان وجدان اخلاقی را پذیرفت.

پاسخ

۱

میدانید

از نظر دکارت «من»، همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه‌های ماست. این روح است که استدلال می‌کند، می‌پذیرد یا رد می‌کند. روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست.

کانت، فیلسوف بزرگ دیگر اروپا که در قرن هجدهم می‌زیست با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت. او از این راه، نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد و گفت انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیار نیز ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.

فصل ۳: انسان

واحد یادگیری  
درس ۹: چیستی انسان (۱)

زیر واحد یادگیری  
دوره جدید اروپا

حیطه شناختی  
پیشرفته

سیر استدلالی دکارت به این صورت است که اندیشه داشتن انسان را پیش فرض در نظر گرفته و آن را امری مجرد دانسته که نمی توان به بدن نسبت داد، به این ترتیب بعد نفسانی انسان ویژگی های مادی بدن که یکی از آنها در گیر قوانین فیزیکی بودن یا همان مجبور بودن است را ندارد، به این ترتیب اراده آزاد دارد که می تواند بپذیرد یا رد کند.

اما سیر استدلالی کانت به این صورت است که وجدان اخلاقی را فرض گرفته است و لازمه داشتن وجدان و مسئولیت اخلاقی را داشتن اختیار می داند و از آنجا که اختیار یک ویژگی مادی نیست، آن را ویژگی بُعدی غیر از بدن یعنی نفس می داند و به این ترتیب نفس مجرد از ماده را ثابت می کند.

## ۹۵ دیدگاه داروینیست‌ها در مورد فضائل اخلاقی انسان چیست؟

- ① آن را تنها تفاوت انسان و حیوان می‌دانند که ارزش انسان را نسبت به دیگر حیوانات نشان می‌دهد.
- ② همان ویژگی خاص انسانی است که در تکامل زیستی باعث تفاوت واقعی میان انسان و حیوانات شده است.
- ③ انسان در زندگی اجتماعی به فضیلت‌گرایی رسیده است و به اصول اخلاقی به عنوان وجه تمایز با حیوانات پایبند شده است.
- ④ نیاز مادی انسان‌ها به زندگی اجتماعی آنها را وادار به وضع قوانین اخلاقی کرده است تا با رعایت آن بتوانند در کنار هم زندگی کنند.

پاسخ

۴

میدانید

داروینیست‌ها نیز که عقایدی نزدیک به ماتریالیست‌ها دارند، فیلسوفانی هستند که از نظریهٔ داروین دربارهٔ پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست‌قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده‌تر است و همان‌طور که یک کرم با یک پرندۀ تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می‌شوند، انسان نیز به جز پیچیدگی بیشتر، تفاوت حقیقی با آنها ندارد. (رد گزینه‌های «۱» و «۲»)

از نظر ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی‌توان برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل شد؛ مثلاً اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می‌کند، به این دلیل نیست که فضیلت‌گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، (رد گزینهٔ «۳») بلکه به این دلیل است که انسان‌ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده‌اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۹۶. «روش‌های خُرد کردن»، «کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب» و «شروع از آخر» به ترتیب مربوط به کدام مورد است؟

- ۱) تهیه یک غذای جدید با خوردن آن غذا- حل معمای برج هانوی- مهندسی معکوس ساخت یک خودرو از نمونه خارجی آن
- ۲) تقسیم برنامه مطالعاتی طولانی به دوره‌های مطالعاتی کوتاه‌تر- ارائه و بررسی سه راه حل احتمالی- ساخت یک خودرو بر اساس طراحی صنعتی
- ۳) تقسیم یک هدف کلی آموزشی به اهداف کوچک‌تر و قابل دستیابی- حل پازل ۱۰۰۰ تکه- دوخت یک مانتو بر اساس مدل عرضه شده در فروشگاه
- ۴) باز کردن رمز گاوصندوق که رمز آن را فراموش کرده‌ایم- تقسیم برنامه مطالعاتی طولانی به دوره‌های مطالعاتی کوتاه‌تر- طراحی و ساخت خلاقانه یک ربات

پاسخ

۳

میدانید

- روش خُرد کردن مسئله ← یک مسئله بزرگ به چندین مسئله کوچک تقسیم می‌شود و حل مسائل کوچک منجر به حل مسئله اصلی می‌شود. ← هدف کلی آموزشی به اهداف قابل دسترس تقسیم می‌شود تا مرحله به مرحله به مسئله اصلی برسیم.

- روش کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب ← در هر مسئله با دو حالت روبرو هستیم، موقعیت یا وجود مسئله (وضعیت موجود ← پازل ۱۰۰۰ تکه) و حالت دسترسی به راه حل (وضعیت مطلوب) ← حل کننده مسئله تلاش می‌کند فاصله این دو را کاهش دهد و پازل را کامل کند.

- روش شروع از آخر ← چون مانتوی دوخته شده الگوی کار قرار می‌گیرد و خیاط سعی می‌کند تا گام به گام فرایند طراحی لباس را از آخر به اوّل برساند.

۹۷. تسهیل یادگیری موتورسواری برای یک دوچرخه سوار در مقایسه با فردی که دوچرخه سواری نمی داند، بیانگر تأثیر کدام عامل است؟

- ۱ اثر نهفتگی
- ۲ آماده سازی
- ۳ اثر انتقال
- ۴ نوع نگاه

پاسخ

۳

میدانید

فردی که دوچرخه سواری را می داند، موتورسواری را زودتر یاد می گیرد؛ چون یادگیری گذشته بر حل مسئله اثر می گذارد.

نکته

این موضوع با پدیده آمادگی سازی ارتباطی ندارد؛ چون در این سؤال به توجه اشاره نشده است، بلکه به یک مهارت حرکتی اشاره شده که با آمادگی سازی ارتباطی ندارد.

بدانید

تجربه گذشته به صورت مثبت یادگیری جدید را آسان می کند. فرد دانش و مهارت خود را به موقعیت های جدید مسئله انتقال می دهد.

۹۸. در صورتی که سارا معین کند که می‌خواهد نمره خود را در امتحان بعدی ریاضی از ۱۱ به ۱۵ برساند، انجام کدام مورد زیر محقق شده است؟

- ۱) بازبینی و اصلاح راه‌حل
- ۲) تشخیص دقیق مسئله
- ۳) انتخاب راه‌حل جایگزین
- ۴) به‌کارگیری راه‌حل مناسب

پاسخ

۲

میدانید

سارا می‌خواهد نمره امتحان بعدی ریاضی خود را از ۱۱ به ۱۵ برساند، پس در این پرسش هدف به‌طور دقیق روشن شده است؛ یعنی مسئله به‌طور دقیق تشخیص داده شده است. سایر گزینه‌ها به مراحل بعد از اجرای راه‌حل مربوط می‌شوند.

بدانید

تشخیص دقیق مسئله، اولین گام برای حل مسئله است. تشخیص درست مسئله به عنوان یک راهنما به حل مسئله کمک می‌کند.

۹۹. در صورتی که رضا برای اثبات یک قضیه هندسی، با این فرض آغاز کند که این قضیه درست است و به سمت هدف‌هایی که به اثبات قضیه منجر می‌شوند، پیش برود کدام روش را برای حل مسئله به کار برده است؟

۱ شروع از آخر

۲ کاهش تفاوت

۳ خرد کردن

۴ بارش مغزی

پاسخ

۱

میدانید

هدف اصلی در این پرسش اثبات قضیه هندسه است. رضا برای اثبات درست بودن این قضیه: ۱- ابتدا فرض می‌کند قضیه درست است؛ یعنی خود را در موقعیتی قرار می‌دهد که به هدف رسیده است، پس از هدف اصلی آغاز می‌کند. ۲- از هدف اصلی به سمت هدف‌های پیش فرض (پیش‌نیاز) یعنی هدف‌های فرعی که اثبات می‌کنند آن قضیه درست است، پیش می‌رود. نتیجه می‌گیریم رضا از هدف اصلی آغاز کرده و به سمت اهداف فرعی پیش رفته است؛ پس روش شروع از آخر را به کار گرفته است.

بدانید

روش شروع از آخر، بیشتر در حل مسائل ریاضی کاربرد دارد. روش مهندسی معکوس، نمونه‌ای از شروع از آخر است.

۱۰۰. زمانی که یک دانش‌آموز برای فراگیری یکی از کتاب‌های درسی خود، آن را به بخش‌های مختلف تقسیم می‌کند و هرروز یکی از بخش‌ها را یاد می‌گیرد، اجرای کدام مرحله حل مسئله، تحقق یافته است؟

- ۱) تشخیص مسئله
- ۲) بازبینی و اصلاح راه‌حل
- ۳) ارزیابی راه‌حل
- ۴) به کارگیری راه‌حل مناسب

پاسخ

۴

میدانید

تقسیم کتاب به چند بخش و یادگیری مرحله به مرحله آن، بیانگر به کارگیری روش خرد کردن مسئله است؛ یعنی مرحله به کارگیری راه‌حل مناسب، محقق شده است.

بدانید

مراحل حل مسئله:

- تشخیص دقیق مسئله
- به کارگیری راه‌حل مناسب ← بعد از تشخیص مسئله به وجود می‌آید.
- ارزیابی راه‌حل
- بازبینی و اصلاح راه‌حل
- انتخاب راه‌حل‌های جایگزین

۱۰۱. سارا با خواندن کتاب داستان و کاهش درگیری ذهنی با مسئله‌ای که قادر به حل آن نیست، تأثیر کدام عامل بر توانایی خود در حل مسئله را افزایش می‌دهد؟

۱) تحکیم بازنمایی

۲) تجربه گذشته

۳) اثر نهفتگی

۴) اثر تداخل

پاسخ

۳

میدانید

کاهش درگیری ذهنی با یک مسئله از هر طریقی، مثل خواندن کتاب داستان و استراحت کردن، به معنی نادیده گرفتن مسئله برای مدت زمان خاص است و به «اثر نهفتگی» اشاره دارد.

بدانید

عوامل مؤثر بر حل مسئله:

(۱) تجربه گذشته: تأثیر یادگیری‌های گذشته بر حل مسئله را «انتقال» می‌گویند.

(۲) نوع نگاه به مسئله: نوع نگاهی که فرد به مسئله دارد، باعث می‌شود تا در حافظه خود، اطلاعات مرتبط با آن نگاه خاص را به خاطر آورد.

(۳) نادیده گرفتن مسئله برای مدتی خاص: وقتی سماجت بر حل مسئله، برای مدت زمان خاص، نادیده گرفته شود، عواملی که مانع حل مسئله هستند، فراموش می‌شود.

۱۰۲. هر کدام از موارد زیر، به ترتیب مربوط به کدام نوع

تصمیم‌گیری است؟

الف) انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی

ب) انتخاب هدیه مناسب روز مادر

پ) انتخاب شغل از بین دو شغل «کارمند روابط عمومی» و

«مهمانداری هواپیما»

ت) انتخاب راهبرد مناسب در امتیازگیری تیم کشتی آزاد

۱) مهم و ساده - فردی - مهم و ساده - گروهی

۲) گروهی - معمولی و پیچیده - مهم و ساده - فردی

۳) گروهی - معمولی و ساده - مهم و پیچیده - گروهی

۴) مهم و پیچیده - معمولی و ساده - گروهی - مهم و ساده

پاسخ

۳

میدانید

الف) انتخاب نمایندگان مجلس، تصمیم گروهی است؛ زیرا افراد در یک جلسه در مورد آن تصمیم می‌گیرند و البته مهم و سرنوشت‌ساز است.

ب) تصمیم‌گیری برای هدیه مناسب روز مادر ← معمولی است؛ زیرا تأثیر مهمی در زندگی فرد و آینده او یا فرد تصمیم‌گیرنده ندارد. ← ساده است؛ چون بر اساس سلیقه شخصی صورت می‌گیرد.

پ) انتخاب شغل ← چون برای انتخاب به فاکتورهایی مانند ساعت کاری، میزان حقوق، ارتقای شغلی و ... باید توجه کرد و بر سرنوشت فرد اثر دارد، پس مهم و پیچیده است.

ت) انتخاب راهبرد ← گروهی است؛ چون یک تصمیم تیمی است و یک تصمیم پیچیده است؛ چون باید راهبردهای مختلف بررسی شوند تا به بهترین راهبرد برسیم.

۱۰۳. عبارات زیر، به ترتیب بیانگر کدام سبک تصمیم‌گیری هستند؟

- علی رغم میل‌م باید مطابق با انتظارات پدرم عمل کنم و در شغل او مشغول به کار شوم.
- شیفته اخلاقی شدم و تصمیم گرفتم با او شریک شوم و سرمایه‌ام را در اختیارش قرار دادم.
- وقتی می‌خواهم تصمیم بزرگی بگیرم، تا آنجا که ممکن است اطلاعات لازم را در مورد آن جمع‌آوری می‌کنم.
- به یکباره تصمیم گرفتم پولی را که سه سال برای خریدن خانه جمع کرده بودم، در سفر به دور دنیا خرج کنم.

۱ اجتنابی - تکانشی - وابسته - احساسی

۲ اجتنابی - احساسی - منطقی - تکانشی

۳ وابسته - احساسی - منطقی - تکانشی

۴ وابسته - تکانشی - منطقی - احساسی

پاسخ

۳

میدانید

- مبنای تصمیم‌گیری در عبارت اول، «درخواست فرد دیگر» است، که مربوط به سبک وابسته است.

- مبنای تصمیم‌گیری در عبارت دوم، احساسات است؛ چون صرفاً به دلیل علاقه‌ای که به فرد دیگری پیدا کرده است، تمام سرمایه خود را در اختیار او قرار داده است.

- مبنای تصمیم‌گیری در عبارت سوم، جمع‌آوری اطلاعات و سنجیده شدن راه‌های موجود است که مربوط به سبک منطقی است.

- مبنای تصمیم‌گیری در عبارت چهارم، ناگهانی و بدون فکر عمل کردن است که مربوط به سبک تکانشی است.

۱۰۴. به ترتیب «بازآفرینی راه‌حل‌ها»، «ارزیابی راه‌های مختلف» و

«انتخاب بهترین راه» بر کدام مفاهیم دلالت دارد؟

- ۱ حل مسئله - تصمیم‌گیری - تصمیم‌گیری
- ۲ تصمیم‌گیری - حل مسئله - تصمیم‌گیری
- ۳ تصمیم‌گیری - تصمیم‌گیری - حل مسئله
- ۴ حل مسئله - حل مسئله - تصمیم‌گیری

پاسخ

۱

میدانید

در حالی که در حل مسئله، حل‌کنندگان مسئله، باید راه‌حل‌های مسئله موردنظر را خودشان بازآفرینی کنند، تصمیم‌گیری یعنی ارزیابی راه‌های مختلف و انتخاب بهترین راه.

بدانید

تصمیم‌گیری: ۱- توجه به موضوع انتخاب‌ها ۲- سروکار داشتن با اولویت‌ها ۳- انتخاب بهترین اولویت  
حل مسئله: ۱- توجه به یافتن راه‌حل‌ها ۲- سروکار داشتن با راه‌حل‌ها ۳- انتخاب راه‌حل منتهی به حل مسئله

۱۰۵. ورزش مورد علاقهٔ مریم پاراگلایدر است، اما اخیراً با مشاهدهٔ فیلم سقوط یکی از افراد حرفه‌ای در این رشته، در انتخاب این رشته دچار تردید شده است. این وضعیت بیانگر چیست؟

- ۱ ناکامی
- ۲ تعارض اجتناب - اجتناب
- ۳ تعارض گرایش - اجتناب
- ۴ تعارض گرایش - گرایش

پاسخ

۳

میدانید

وقتی در موقعیتی باشیم که حتماً باید تصمیم‌گیری کنیم، ولی قادر به تصمیم‌گیری نباشیم با وضعیت «تعارض» روبه‌رو می‌شویم. تعارض بین دو امر جذاب و خواستنی «ورزش پاراگلایدر» و ناخواستنی «خطرات این رشته»، فرد را با تعارض گرایش - اجتناب روبه‌رو می‌کند.

۱۰۶. دوری کردن از نظریات مخالف با دیدگاه‌های خود در تصمیم‌گیری، بیانگر تأثیر کدام روش غلط در تصمیم‌گیری است؟

- ۱) اعتماد افراطی
- ۲) عدم کنترل هیجانات
- ۳) سوگیری تأیید
- ۴) کوچک شمردن خود

پاسخ

۳

میدانید

دوری کردن از نظریات مخالف با نظرات خود در تصمیم‌گیری، به معنی گرایش فرد به تأیید اطلاعاتی است که دیدگاه او را تأیید می‌کنند، بنابراین روش «سوگیری تأیید» در تصمیم‌گیری او تأثیر داشته است.

بدانید

موانع تصمیم‌گیری، روش‌ها و قواعد غلطی هستند که مراحل تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و نتایج منفی به بار می‌آورند:

موانع تصمیم‌گیری عبارتند از:

- ۱- سوگیری تأیید
- ۲- اعتماد افراطی
- ۳- کوچک شمردن خود

۱۰۷. گفته می‌شود تصمیم‌گیری، یک نوع حل مسئله است؛ زیرا .....

- ۱) فرد تصمیم‌گیرنده، با اولویت‌های مطلوب سروکار دارد.
- ۲) فرد تصمیم‌گیرنده به دنبال روش‌های موفق و کارآمد است.
- ۳) اولویت‌های یک تصمیم، شامل همه انتخاب‌های احتمالی است.
- ۴) فرد تصمیم‌گیرنده باید بین انتخاب‌های مختلف، بهترین را برگزیند.

پاسخ

۴

میدانید

تصمیم‌گیری، نوعی حل مسئله است؛ زیرا تصمیم‌گیرنده با این مسئله مواجه است که بهترین انتخاب چیست؟

بدانید

\* تصمیم‌گیری با حل مسئله تفاوت دارد:

- (۱) حل مسئله، توجه به یافتن راه‌حل‌ها است؛ ولی تصمیم‌گیری، توجه به موضوع انتخاب‌ها می‌باشد.
  - (۲) تصمیم‌گیری، سروکار داشتن با اولویت‌ها؛ ولی حل مسئله، سروکار داشتن با راه‌حل‌ها است.
  - (۳) تصمیم‌گیری، انتخاب بهترین اولویت است؛ ولی حل مسئله، انتخاب راه‌حل منتهی به حل مسئله است.
- \* شباهت:
- هر دو با فرایند مسئله سروکار دارند.

۱۰۸. خرید یک کوله پشتی بر اساس ملاک سودمندی مورد انتظار،

بیانگر چیست؟

۱) تصمیم‌گیری بر اساس خطر از دست دادن

۲) تصمیم‌گیری بر اساس هیجانات زودگذر

۳) تصمیم‌گیری مبتنی بر تأیید دیدگاه خود

۴) تصمیم‌گیری مبتنی بر خرد و دانش

پاسخ

۴

میدانید

تصمیم‌گیری برای خرید یک کالا، بر اساس ملاک سودمندی مورد انتظار، مبتنی بر خرد و دانش است.

بدانید

ملاک‌های تصمیم‌گیری عبارتند از:

۱) میزان سودمندی (هزینه و مزیت) ← بر اساس خرد و دانش

خود، هزینه‌ها و مزایای خاص یک تصمیم را می‌سنجیم.

۲) میزان خطر ← خطر از دست دادن

۳) هزینه‌های قبلی ← گاهی فرد به دلیل هزینه‌های قبلی که صرف

کرده است، در تصمیم‌گیری دچار خطا شده و مسیر آینده را به

اشتباه طی می‌کند.

۱۰۹. هریک از عبارات زیر، به ترتیب ناظر به کدام نوع از سبک‌های

تصمیم‌گیری است؟

الف) دست دست کردن و به تعویق انداختن

ب) تکیه بر انتخاب‌های دیگران

پ) بدون محاسبه و یکباره عمل کردن

۱) اجتنابی - وابسته - تکانشی

۲) تکانشی - احساسی - احساسی

۳) اجتنابی - وابسته - اجتنابی

۴) تکانشی - احساسی - تکانشی

پاسخ

۱

میدانید

الف) سبک تصمیم‌گیری اجتنابی ← فرد به دلیل نگرانی و ترس از موضوع و عواقب آن، هیچ‌گاه تصمیم خود را عملی نمی‌کند و کار امروز را به فردا می‌اندازد.

ب) سبک تصمیم‌گیری وابسته ← اطاعت کورکورانه از دیگران است و مبنای انتخاب فرد، تصمیم دیگران می‌باشد.

پ) سبک تصمیم‌گیری تکانشی ← همراه با عجله و شتاب، به صورت ناگهانی و با عجله و بدون توجه به عواقب کار و بلافاصله با پشیمانی همراه است.

بدانید

سبک‌های تصمیم‌گیری ← به روش‌های ثابت و یکنواخت افراد در تصمیم‌گیری می‌گویند.

۱۱۰. هریک از عبارات زیر، به ترتیب به کدام مهارت تصمیم‌گیری

اشاره می‌کند؟

الف) حذف تک به تک جنبه‌ها

ب) شفاف‌تر شدن اقدامات بعدی

پ) منجر شدن به تصمیم‌های پرخطر

۱) استفاده از روش‌های میان‌بر - شناخت دقیق تصمیم موردنظر -

بی‌توجهی به سبک تصمیم‌گیری منطقی

۲) شناخت دقیق تصمیم موردنظر - دوری از موقعیت‌های پرخطر -

بی‌توجهی به موقعیت‌های پرخطر

۳) شناخت دقیق تصمیم موردنظر - استفاده از روش‌های میان‌بر -

بی‌توجهی به موقعیت‌های پرخطر

۴) استفاده از روش‌های میان‌بر - دوری از موقعیت‌های پرخطر -

بی‌توجهی به سبک تصمیم‌گیری منطقی

پاسخ

۱

میدانید

الف) حذف تک به تک جنبه‌ها و رسیدن به گزینه‌های کم‌تر، مربوط به استفاده از روش میان‌بر است.

ب) اگر فرد تصمیم موردنظر خود را به‌خوبی بشناسد، اقدامات بعدی او نیز شفاف‌تر می‌شود.

پ) بی‌توجهی به سبک تصمیم‌گیری منطقی، منجر به اتخاذ تصمیم‌های پرخطر می‌شود.

بدانید

عوامل مؤثر بر ارتقای مهارت تصمیم‌گیری ← ۱ - شناخت دقیق

تصمیم موردنظر، ۲ - استفاده از سبک تصمیم‌گیری منطقی،

۳ - استفاده از روش‌های میان‌بر در تصمیم‌گیری پیچیده و مهم،

۴ - شناخت دقیق موقعیت‌های پرخطر